

بیانات در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه / ۱۳۴۸/۰۴/۱۲

نکته‌ی دوم، با مردم بودن و ساده‌زیستی است. البته شما این‌چنین هستید و الحمدلله همه‌ی آقایان از لحاظ زندگی - با عرض نسبتاً عریضی در کیفیتها - در سطح متوسط قرار دارند؛ منتها برخی از این حفاظتها زیاد که در بعضی از شهرستانها مشاهده میشود، به اعتقاد ما غیرضروری است و در جاهایی اصلاً حفاظت لازم نیست. این کار، امام جمعه را از مردم دور میکند. نباید وانمود شود که امام جمعه فردی است که مورد تهدید و خطر است و باید برایش محافظ گذاشت.

بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران / ۱۳۴۸/۱۱/۰۱

در این شهرها، گرفتاریهای مردم خیلی زیاد است. در این نقاط دور دست - مخصوصاً بعضی از استانها مثل سیستان و بلوچستان و هرمزگان و سایر استانهای مشابه - واقعا مشکلات غیر قابل تصور است. من به بعضی از استانها که میرفتم، برخی از آقایان میگفتند که مثلاً آب و آذوقه و اشتغال در استان ما، حتی از سیستان و بلوچستان هم بدتر است. این قضاوت ناشی از آن است که این برادر، آن استان بد را ندیده است و اطلاع درستی از آن ندارد. آدمی که همه‌ی این استانها را دیده باشد، ادعای خواهد کرد که انصافاً وضع بعضی از استانها، خیلی بدتر و سخت‌تر و توأم با فشار بیشتری است. با حرکت در سطح استان، با نزدیک شدن به مردم، با نشستن در محیط زندگی خصوصی و خانه و کپه و چادرشان، نسبت به مشکلات مردم آشنا بشوید و آنها را لمس کنید. هر کس که این مشکلات را لمس بکند، برای کار و تلاش، انگیزه‌ی تمام نشدنی پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام / ۱۳۴۸/۱۱/۰۹

ارزشهایی که ما در انقلاب برای آنها میخواهیم تلاش کنیم و کارمان برای آنهاست، دو مینا و پایه دارد: مکتب و مردم. مکتب بدون مردم متصور نیست؛ چون مکتب ما مکتبی نیست که از مردم جدا بشود. اصلاً این یک فریب است که ما بیایم اسلام را از نفع و خیل مردم جدا کنیم و بگوییم مردم و سرنوشت آنها را رها کنید و به دین و خدا و اسلام بچسبید! این، همان اسلام تحریف شده است. این، همان چیزی است که امام(ره) از اول شروع مبارزه با آن جنگید. بسیاری از آدمهای خوب و عالم، حرف امام را در این راه فهمیدند و البته بعضی از متحجران و نادانها هم تا آخر نفهمیدند و هنوز هم بعضی این حقیقت را نمیفهمند. تفکر اسلامی، از خیل مردم و برای مردم بودن جدا نیست. هر چیزی که شما دیدید به نظرتان اسلامی است، اما از صلاح مردم مجرد است، بدانید در شناخت و فهم این که آن اسلام است، اشتباه میکنید یا در فهم خود آن شیئی محققاً اشتباهی وجود دارد. پس، پایه‌ی ارزشهای اسلامی و انقلاب ما، بر دوپایه‌ی مکتبی و مردمی است.

بیانات در دیدار فرمانده و جمع کثیری از پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۴۸/۱۱/۱۹

شاید امروز کسانی در مقام تحلیل برایشان دشوار باشد که قبول کنند پیوستن ارتش به انقلابیون و مردم، کار پیروزی را آسان کرد و جلو انداخت. شاید خیال کنند که این حرف، از نقش مردم و مردمی بودن انقلاب خواهد کاست؛ در حالی که این اشتباه است. هنر یک انقلاب همین است که میتواند عناصر نیروهای مسلح دشمن را هم متوجه به خود کند و به حقانیت خویش معتقد و جزئی از خود نماید و کرد. این حقانیت انقلاب و مردم بود که توانستند نیروهای مسلح و ارتش را از خود کنند و در جناح خود قرار بدهند و همین موجب شد که پیروزی آسان شود و زود به دست آید. بدون این هم شاید پیروزی به دست می‌آمد، اما با زحمات زیاد و شاید با یک فاصله‌ی طولانیتر.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / ۱۳۴۸/۱۱/۲۰

خصوصیت دوم (انقلاب)، مردمی بودن است. انقلابهای دیگر - آنها که حقیقتاً انقلاب بودند - پس از پیروزی خود، اغلب نسبت به مردم بیاعتنا شدند. کودتاها و حرکات نظامی و امثال اینها را کاری نداریم. انقلابها، همیشه در همه جای دنیا به دست مردم به وجود آمده؛ اما بعد از آن که به پیروزی رسیده یا در آستانه‌ی پیروزی قرار گرفته، احزاب یا حزب جای انقلاب و مردم را گرفته است و مردم کنار رفته‌اند. مثل کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی دنیا که نظامهای خیلی از آنها، با یک انقلاب به وجود آمده بود و مردم در آن نقش داشتند و به گروه انقلابی و مبارز مردم کمک کرده بودند؛ اما در همه‌ی این کشورها، به مجرد این‌که انقلاب به پیروزی نزدیک شد یا به پیروزی رسید، مردم دیگر هیچکاره شدند و حزب همه‌کاره شد. حزب کمونیست یا هر اسم دیگری که برای حزب حاکم داشتند، هر کاری که خواست بکند، به نام مردم کرد، اما مردم در هیچ کار نقش نداشتند؛ همان مردمی که به خیابانها آمده بودند، یا به نحوی از انجا مبارزه کرده بودند، یا مثلاً از گروه مبارز پشتیبانی کرده بودند.

مردم، حتی این حق را نداشتند که یک نماینده به مجلس قانونگذاری بفرستند. در هیچ‌کدام از این کشورها که به اصطلاح کنگره‌های ملی دارند و همان مجالس قانونگذاری آنهاست، نمایندگان مردم حضور ندارند! اصلاً مردم هیچ نقشی نداشتند. این، چیز خیلی عجیبی است. اما همین چیز عجیب، همه جای دنیا بود.

...

اگر بپرسید اسم حکومت شما چیست؟ میگویند: حکومت دموکراتیک سوسیالیستی؛ یعنی حکومت مردمی. اسمش مردمی است، در حالی که در هیچ امری از امور آن کشور، مردم دخالت ندارند و این، همان مردمی هستند که انقلاب را به پیروزی رساندند. اسم این کشورها هم کشور انقلابی است. همه‌ی انقلابهایی که ما در دنیا دیدیم و کشورهایی که بر اساس یک انقلاب، نظامی را به وجود آوردند، تقریباً به همین شکلی بودند که مطرح کردم.

در کشور ما، انقلاب از روز اول، همه‌ی نقشها در همه‌ی امور را به مردم داده‌است. یعنی مجلس را - که محل قانونگذاری است - مردم تشکیل میدهند و نمایندگان مردم به آن جا میروند و هیچ‌کس هم حق ندارد نماینده‌ی را به مردم تحمیل کند. یک نفر نماینده هم از این دوپست و هفتاد نفر، بدون آرای مردم به مجلس نمی‌آید. رئیس جمهور را - که مجری امور و مدیر و رئیس اداره‌ی کشور است - مردم با آرای خودشان انتخاب میکنند. هر کسی را که دلشان خواست، انتخاب میکنند. اختیار با مردم است.

این وضعی که انتخابات ریاست جمهوری در ایران دارد، حتی در کشورهای دموکراتیک غرب هم این وضعیت نیست؛ چون در آن کشورها، احزاب در مقابل هم صف‌آرایی میکنند و هر حزبی، اسم کسی را به عنوان کاندیدا ذکر میکند. مردمی که به آن کس رای میدهند، در حقیقت به آن حزب رای میدهند و خلیها آن کس را اصلاً نمیشناسند. به هر جهتی طرفدار این حزیند و انگیزه‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی و غیرسیاسی موجب میشود که طرفدار فلان حزب باشند و به خاطر طرفداری آن حزب، به کاندیدای آن تشکیلات رای میدهند و خود آن کاندیدا را هم اصلاً نمیشناسند.

در ایران، این‌گونه نیست. در ایران، یکایک کسانی که کاغذ رای را در صندوق میاندازند، آن شخص را میشناسند و به عنوان رئیس جمهور به او رای میدهند. این دوره، همین‌طور بود. دو دوره‌ی قبل هم که من رئیس جمهور بودم، همین‌گونه بود. دوره‌ی قبلش هم به همین شکل بود. در همه‌ی این ادوار - که تا حالا پنج انتخاب رئیس جمهوری داشته‌ایم - مردم به کسی که رای دادند، خودشان او را شناختند و رای دادند. پس، در انتخاب دستگاه قانونگذاری، مردم مباشرتاً و مستقیماً دخالت میکنند.

...

در این جا، پشتیبانی و حضور مردم در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی و حرکت نظامی وجود دارد. اگر امروز، دولت یا یکی از مسوولان بخواهد حرکتی را انجام بدهد که مردم آن را نپسندند، میتوانند جلوی او را بگیرند. همه جا مردم حضور دارند. این، خصوصیت انقلاب ماست. هیچ انقلابی در دنیا، این‌گونه نیست. این نکته را از

روی بصیرت و اطلاع از نزدیک می‌گویم و این استثنایی است.

نتیجه این است که نظام، نظام مستحکمی است؛ زیرا که مردمی می‌باشد. آن چیزی که به‌وسیله‌ی ابرقدرتها قابل از بین رفتن است، عبارت از حکومتی است که به مردم متکی نیست. آن چیزی که به وسیله‌ی عوامل سازمان جاسوسی امریکا، در یک کشور قابل برداشتن و گذاشتن است، حکومت یا دولتی است که با مردم رابطه‌ی نداشته باشد و پشتوانه‌ی عظیم فوی مردمی، پشت سرش نباشد. حکومتی که دشمن خارجی می‌تواند چهار نفر را علیه آن به کودتا وادار و تحریک بکند، حکومتی است که روی تخت حکومت نشسته، اما مردم به او وصل نیستند. مردم برای خودشان می‌روند و او برای خودش حرکت میکند.

بیانات در دیدار جمع کثیری از علما و طلاب حوزه علمی قم و مدارس علمیه تهران / ۱۳۶۸/۱۲/۰۲

نقاط مثبت در جامعه‌ی روحانیت - که جامعه‌ی علمی شیعه است - روشن می‌باشد. علم و زهد و بیاعتنایی به دنیا و شجاعت و ایستادگی در برابر قدرتها و زورگوها و اتصال به توده‌ی مردم، نقاط مثبت روحانیت ماست. مردمی بودن و درد آنها را احساس کردن و برای آنها دل سوزاندن و کار کردن و به دشمنانشان نزدیک نشدن، خصوصیتی است که هیچ فرقه‌ی از فرق روحانی در عالم، آن را نداشته است و الان هم ندارد. اگر این خصوصیت نبود، اطمینان مردم به روحانیت جلب نمیشد که به خیابانها بیایند و آن طور جان خود را در راه آرمانهای این انقلاب در معرض خطر قرار بدهند. این، خصوصیات مثبت روحانیت است؛ اینها را به شدت حفظ کنیم.

بیانات در دیدار با انمهی جمعیه سراسر کشور / ۱۳۶۹/۰۳/۰۷

قصری که قبلا حاکم پرتغالی در کشور موزامبیک در آن استقرار داشت و حکومت میکرد، همان قصری بود که «سامورا ماشل»، رهبر انقلابی موزامبیک - که بعد هم کشته شد - در آنجا زندگی میکرد. او از من هم در همان قصر پذیرایی کرد و من دیدم که وضع با گذشته فرق نکرده است. در آنجا فرشی بود که من مشغول نگاه کردن به آن شدم. گفت: این، از آن فرشهایی است که از زمان پرتغالیها مانده است. دیدم نه فقط در همان قصر و در همان زندگی و در همان تشریفات زندگی میکردند، بلکه به همان روش هم زندگی میکردند! انگار انگار که اینها یک گروه انقلابی و مردمیند؛ که واقعا مردمی هم نبودند و اصلا در آنجا از مردم خیری نبود. ما وقتی میخواستیم وارد سالن میهمانی بشویم، دیدیم در کنار در بزرگی که این سالن را به سالن پذیرایی وصل میکرد، دو نفر ایستاده‌اند؛ درست مثل غلامهای افسانه‌ی در دربار سلاطین که در آن، حاکم پرتغالی هم همانطور زندگی میکرد است. واقعا دو نفر غلام سیاه بودند. حالا این دو نفر، سیاه بودند؛ اما دیگر غلام نبودند؛ چون خود حاکم هم از همان گروه بود. این دو نفر مامور با لباسهای مشخصی، غلامگونه دو طرف در ایستاده بودند و باید طوری عمل میکردند که وقتی سلطان - یعنی همین رهبر انقلابی - با میهمانش که من بودم، در مقابل این در می‌رسیدیم، این دو نفر در به‌طور برابر و طاقباز، باز شده باشد و اینها در حال تعظیم باشند و همین کار را هم کردند! من لیخنم می‌زدم و نگاه میکردم؛ بعد هم با او - که خودش را مثل همان حاکم پرتغالی، با همان ژستها گرفته بود - وارد سالن میهمانی شدیم. همه جا همینطور بود.

مسافرتهایی که من به خارج از کشور میکردم، غالبا به همین کشورهایی بوده است که به اصطلاح در آنجاها انقلابی اتفاق افتاده است. مثلا لیبی، الجزایر، موزامبیک، زیمبابوه، چین و کره‌ی شمالی، غالبا از این قبیل بوده است. ما زندگی و تفکر و رابطه‌ی رجال و رهبران انقلابی با مردم را از نزدیک دیده‌ایم و لمس کرده‌ایم. هیچ‌کدام از اینها، مصداقی برای آن مفهومی که از یک انقلاب و حکومت مردمی در ذهنمان هست، نیست. لذا وقتی هم می‌میرند، تشییع جنازه‌شان، همان تشییع جنازه‌ی است که برای سلاطین انجام می‌گیرد، و نه چیزی بیشتر. از مردم خیری نیست. مردم در هیچ قضیه‌ی از قضایای این کشورها، نقش و حضور ندارند؛ چون در انقلابشان، مردم نقش و حضور نداشتند. کودتایی شده، حزبی سر کار آمده، قدرت را به دست گرفته، رقبایش را از بین برده و گاهی سالها با هم رقابت کرده‌اند و جنگ قدرت به راه انداخته‌اند.

بیانات در دیدار با انمهی جمعیه سراسر کشور / ۱۳۶۹/۰۳/۰۷

انقلاب ما بر دوش مردم - به معنای واقعی کلمه - قرار دارد. همه‌ی ماها شاهد این واقعیت بوده‌ایم و هیچ‌کس بین ما خبر بیشتری از نفر دیگر ندارد. جمهوری اسلامی هم، همینطور پیش آمد. رابطه‌ی جمهوری اسلامی با مردم، با رابطه‌ی کشورهای و حکومت‌های دیگر، بکلی متفاوت است. مسوولان درجه‌ی یک کشور، رئیس‌جمهور، وزرا و دیگران و دیگران، مظهر مردمی‌بودنشان این نیست که در کوچه و بازار راه بروند و مثلا خودشان گوشت و نان‌شان را بخردند. این طبیعی است که علاقه و مراجعات و احتیاج و عشق مردم نمیگذارد. کسی که اشتغال و کار دارد، باید هر دقیقه وقتش، صرف کارهای مهم بشود. معنا ندارد که بگویند شما چرا مثلا ساعت‌های متمادی نمیروید در مسجدی بنشینید، تا مردم بیایند به شما مراجعه کنند! این، عملی نیست. مظهر رابطه‌ی مردم با مسوولان، اینها نیست.

...

من به کشوری رفته بودم که رئیس‌جمهور آن تشریفات و نخست‌وزیرش همه‌کاره - یعنی رئیس دولت و کشور - بود. از لحاظ تشریفات، رئیس‌جمهور در مراسم استقبال ما شرکت کرده بود، بعد هم چند دقیقه‌ی با ما بود و سپس رفت و دیگر نیامد و ما با نخست‌وزیر آن کشور، مشغول صحبت و مبادله‌ی نظر و مذاکره و قرارداد شدیم. رئیس‌جمهور، اتفاقا کشیش بود. در آن چند لحظه‌ی که با او بودم، از او پرسیدم که شما چون کشیش هستید، آیا کلیسا هم می‌روید و در حال ریاست جمهوری، مراسم مذهبی را انجام میدهید؟ گفت: نه، من اصلا وقت نمیکنم به کلیسا بروم! هفته‌ی مثلا یک بار و یا گاهی چند هفته یک بار - حالا یادم نیست، او زمان دوری را معین کرد - به کلیسا میروم! بعد صحبت شد، گفت: من ورزش هم میکنم و فوتبالیستم (تیم فوتبال داشت). گفتم: شما فرصت میکنید؟ گفت: بله، من هر روز فوتبال بازی میکنم! یعنی با آنکه کشیش بود، اما وقت کلیسا رفتن نمیکرد؛ ولی هر روز ورزش میکرد! رئیس‌جمهوری که در مملکت کاره‌ی نیست، میتواند ساعت‌ها وقت خودش را برای فوتبال بازی کردن و شرکت در بالماسکه و شرکت در ماهیگیری پای فلان رودخانه صرف کند. این، مظهر مردمی بودن نیست.

مظهر مردمی بودن ما این است که امروز مردم بین خودشان و مسوولان کشور، فاصله‌ی حقیقی احساس نمیکنند. این، نعمت بزرگی است. امروز اگر هر یک از آحاد این مردم، با رئیس‌جمهور این کشور ملاقاتی داشته باشد، احساس نمیکنند که با او فرق دارد. آن حالت اشرافی‌گری و اوج کاذب طبقاتی که شاید بتوانم بگویم در همه‌ی حکومتها - تا آنجا که ما میدانیم - وجود دارد، در جمهوری اسلامی نیست. وزرا، جزو همین مردم معمولی کوچه و بازارند. آنها از یک خانواده‌ی اشرافی جدا نشده‌اند به مسند وزارت بیایند. به خاطر مسوولیت و تخصص و آگاهی، آنها را از داخل دانشگاه، یا از فلان شغل آورده‌اند و در راس وزارت گذاشته‌اند. وقتی هم که از کار منصرف میشوند، باز سراغ همان شغل قبلیشان می‌روند.

بیانات در دیدار با انمهی جمعیه سراسر کشور / ۱۳۶۹/۰۳/۰۷

جمهوری اسلامی، انقلاب و نظام و کارش مردمی است و مردم از ریزترین کارها مطلع میشوند؛ مگر آن چیزهایی که گفتنش مفسده‌ی بار بیاورد. در دوران جنگ، چیزهایی بود که گفتنش مفسده داشت؛ لیکن در غیر این امور، هر چیزی که اتفاق بیفتد، اول بایستی مردم در جریان قرار داده بشوند. در زمان امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) همینطور بود. هر وقت بنا بود کاری انجام بگیرد، با ایشان مشورت میشد. از مطالبی که ایشان مکررا میفرمودند، این بود که کاری که میکنید، طوری باشد که بتوانید به مردم بگویید؛ یعنی قابل طرح برای مردم باشد.

معیارها، فهم و درک مردم از انقلاب است. نظام ما، نظام مردمی است؛ نه نظام حزبی که ریسمانهایش به نقطه‌ی وصل است و در آن نقطه، یک حزب نشسته و هر کاری که میخواهد، انجام میدهد. نخیر، این‌جا اجزای اصلی نظام، در تمام کشور - حتی در روستاها و شهرهای دورافتاده و در بخشها - پراکنده‌اند.

این مردمی که در هر شهری هستند، اجزای اصلی نظام و تعیین‌کننده میباشند. اگر خدای نکرده جنگی بشود، اینها هستند که باید بیایند دفاع کنند. اگر سازندگی باشد، اینها هستند که در سازندگی باید شرکت کنند. اگر حمایت از حرکتی باشد، به وسیله‌ی اینها باید انجام بگیرد. اگر خنثی کردن توطئه‌ی دشمن باشد، به

وسایلهی اینها باید انجام بگیرد. دشمن هم که میخواهد کاری انجام بدهد، چون از کودتای نظامی و تهاجم خارجی مایوس است، به فکر کار کردن روی ذهن همین مردم میافتد.

...

در این نظام، مجموعه و صحنه‌ی عظیمی پر از مردم را تصور کنید. اگر در وسط این تشکیلات، مرکز هدایت عمومی - یعنی دستگاه رهبری - را فرض کنیم، آن پایگاهها و مراکز نزدیک به ذهن و گوش و جسم مردم در سرتاسر کشور، نمازهای جمعه است. یعنی نمازهای جمعه در هر جایی از نقاط کشور، بهر و بخشی از کار دستگاه رهبری این کشور را انجام میدهند، مردم را توجیه میکنند، به استقامت در راه وادار مینمایند، از اشتباهات دور نگه میدارند، ذهن مردم را با معارف لازم آشنا میکنند، دشمنان را نسبت به نفوذ در اذهان مردم مایوس میکنند، از این‌که دشمن بتواند روی مردم اثر سو بگذارد، مانع میشوند و مردم را به حرکت و تلاش در مجموعه‌ی کلی نظام وادار میکنند. وقتی نظام مردمی است، همه‌ی مردم باید حرکت کنند، تا نظام راه بیفتد؛ والا اگر عده‌یی از مردم حرکت نکردند، حرکت نظام، کند خواهد شد.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا و آزادگان / ۱۳۶۹/۰۸/۰۲

امروز اکثر کسانی که در این مجلس محترم مشغول خدمت هستند، قطعا احساس وظیفه میکنند؛ در این شکی نیست. نمایندگان ما، در بین نمایندگان مجالس ملی دنیا نمونه‌اند. بدانید هیچ‌جا، نه در کشورهای غربی و نه در کشورهای شرقی - که همه‌اش دیگر حالا مثل هم است - نه در کشورهای اسلامی و نه غیر اسلامی، نمایندگان مجلسها، به صفا و پاکی و مردمی بودن و مسوولیت‌شناسی و خلوص نمایندگان ما در این مجلس عظیم‌الشان شورای اسلامی نیستند. هیچ‌کس مثل اینها نیست. اینها خیلی خوب هستند، منتها باید خودشان این را پیش از دیگران حفظ کنند. نکند چهار نفر آدم جاهل، عصبانی و بیتوجه به مسوولیت، حرکتی بکنند و مجموعه‌ی پاک و مطهری را زیر سوال ببرند.

بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) / ۱۳۶۹/۰۹/۰۵

انقلاب اسلامی، یک انقلاب مردمی است. اساسا هنر ایمان اسلامی در همین است که دل‌های مردم را آن‌چنان مجنوب میکند و نیروهای آنان را آن‌چنان در خدمت هدفهای عالی و والا به کار می‌اندازد که خود این، انقلاب و حرکت اسلامی را بیمه میکند و نصرت الهی را به دنبال می‌آورد. صدر اسلام هم عینا همین‌گونه بود. در صدر اسلام، حضور آحاد مردم و ایمان مخلصانه‌ی آنها، موجب نصرت شد. این، صریح قرآن است. آیه‌ی قرآن میفرماید: «هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین». یعنی خدای متعال، با نصرت خود و به وسیله‌ی مومنین، پیامبر را تأیید کرد.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۰ / ۱۳۷۰/۰۱/۰۱

امیدوارم که ملت ایران با کسب تجربه از گذشته‌ها، برادری و همکاری و همدلی در میان یکدیگر را قدر بدانند و آن را هرچه بیشتر کنند. مردم با هم مهربان باشند و به کمک یکدیگر بشتابند؛ بخصوص در این ایام به کمک مستمندان بشتابند. کسانی که دارند و می‌توانند، حتما به کسانی که نادر و محتاج و مستمندند، کمک کنند. این روح همکاری و همیاری در میان ملت ما - که سنت قدیمی و دستور عالی اسلام است - چیز بسیار ارزشمندی است؛ آن را حفظ کنید و بخصوص در ایام عید و ایام ماه مبارک رمضان، آن را بیشتر اهمیت بدهید. روحیه‌ی مردم‌دوستی، روحیه‌ی ایثار و از خودگذشتگی، برای دیگران فکر کردن و کار کردن، روحیه‌ی پی است که ملت ما را به نتایج و غایات این حرکت خواهد رسانید.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۷۰/۱۰/۱۹

آن روزی که آن امام بیدیل و آن خلف صالح انبیا و اولیا، به پشتیبانیهای شما مردم قم، در مقابل کفر و استکبار استوار ایستاد و فریاد دل این امت را از حنجره‌ی الهی خود سرداد؛ هم آن روزی که امام بزرگوار، قم را مرکزی برای پرتوافکنی قرارداد و تعالیم و پیام خود را از آن‌جا به همه جا فرستاد؛ هم در دوران پیروزی انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی، هم در پیچهای خطرناک سیاسی انقلاب، همه جا مردم قم - این مردم مومن و حقیقتا حزب‌الله - و در بخش اعظم حوادث، حوزه‌ی علمیه قم و علما و مدرسین بزرگ و طلاب جوان و پرشور و محافل درس و مدارس آمیخته‌ی با علم و جهاد، به کمک انقلاب آمدند و بازوی امام محسوب شدند و انقلاب را از خطرناکترین گذرگاهها گذراندند. این، نشانه‌ی آن است که نهضت، مردمی و دینی است؛ متکی به مردم و هدایت یافته از دین و حرکت‌کننده به سمت هدفهای الهی است؛ که خیر و سعادت مردم هم در آن است.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۷۰/۱۰/۱۹

نکنه‌ی دوم هم که بسیار حایز اهمیت است، مساله‌ی مردمی بودن این انقلاب و این نظام مقدس است. هرچه کردند و هرچه شد، مردم کردند. امام بزرگوار هم متکی به همین آحاد و نفوس مومنه‌ی مردم بود. مسوولان کشور - خدمتگزارانی که بوده‌اند و هستند - قدرتشان، جراتشان، توان معنوی و روحی مقابله‌شان با تهدیدها و مبارزاتیهای استکبار و قدرتهای شیطانی، به پشتوانه و پشتیبانی همین ملت است. اتصال نظام، دولت، حکومت و مسوولان با مردم، یکی از همان نعمتهای معجزه‌آسای الهی است. اگر مردم نبودند و این اخلاصها و این شورها و این فداکاریهای بی‌نظیر و محیرالعقول نبود - که انسان از این ماهیه‌ی ایناری که در آحاد مردم مشاهده میکند، واقعا مبهوت میماند - انقلاب هم پیروز نمیشد، جنگ هم به پیروزی نرسید، در میدانهای سیاست هم پیروزی نبود، در مقابل محاصره‌ی اقتصادی دشمن هم توان مقاومت باقی نمی‌ماند؛ والا شما تصور میکنید که شیاطین حاضرند یک حکومت و یک پرچم اسلامی را این‌طور برافراشته در عالم تحمل کنند؟

بیانات در مراسم سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۷۱/۰۳/۱۲

جمهوری اسلامی، میتواند با جهتگیریهای مختلفی تحقق یابد. آنچه‌که این جهتگیریها را به صواب نزدیک میکند و مورد قبول و اعتقاد امام رضوان‌الله‌تعالیه‌ی بوده است، اینهاست:

...

دوم، حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آنها. لذا امام، هم به مسوولین سفارش میکردند که «از مردم جدا نشوید؛ با مردم باشید؛ زی مردم را داشته باشید؛ به فکر مردم باشید» و خلاصه، رابطه را از طرف مسوولین تأمین میکردند، هم متقابلا به مردم سفارش مسوولین و دولت را میکردند. یعنی امام با کسانی که ارگانهای نظام و دولت را تضعیف مینمودند، به نحوی از انجا مقابله میکردند.

بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر / ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

نقطه دیگری که برای دشمن بسیار مهم است، موضوع مردمی بودن دولت و مجلس و مسوولان کشور است. در کشورهایی که مثلا دموکراسی وجود دارد، اگر شما نگاه کنید، مبینیند غالبا دولت‌مردان یا از سرمایه‌داران و یا وابسته به سرمایه‌دارانند و مجلسهایشان را غالبا افراد متنفع، پولدار، قدرتمند و زور دار پر میکنند. در کشورهایی هم که دم دموکراسی میزنند، وضع به همین‌گونه است. در کشورهای معروف و نام‌آشنای جهان، غالب کسانی که در راس حکومتها قرار میگیرند از خانواده‌ها و قشرهای شناخته شده سیاسی، مالی، نظامی و یا اشخاص وابسته به طبقات دارا ز و زورند. در ایران اسلامی این‌گونه نیست. مجلس شورای

اسلامی متکی به عناصری از متن مردم است. یک معلم، یک کشاورز، یک روحانی، یک پزشک، یک کاسب یا یک دانشجو، به یک منطقه انتخاباتی رفته است و مردم او را شناخته‌اند، به او رای داده‌اند و به مجلس شورای اسلامی وارد شده است. دولت جمهوری اسلامی نیز همین‌طور است. کسانی که در راس مسوولیت‌های دولتی قرار دارند، افرادی هستند که عمر و جوانی خودشان را در مبارزات و سختیها و شدايد گذرانده‌اند. مثل رئيس جمهور عزيز ما؛ همین شخصیت برجسته‌ای که عمر و جوانیاش را در راه مبارزات گذاشته است. همکاران او هم کسانی‌اند که سوابق مبارزاتی و یا قابلیت‌ها، آنها را به سمت مسوولیت‌ها کشانده است. هیچ‌کدامشان به یک خانواده ثروتمند، به یک مجموعه اشرافی، به یک فامیل مشهور ریشه‌دار قدیمی، به یک کمپانی و یا به فشری از قشرهای دارای زر و زور، وابسته نیستند. همه از مردمان معمولی و انسانهای سالم و صادقند. مهندسی، دکتری، آدم کار کرده مجربی را آورده‌اند و مشغول کار کرده‌اند. این هم یک نکته است که دولت، دولتی مردمی است. لذا مردم، هم مجلس، هم دولت و هم مسوولین را دوست میدارند؛ چون میبینند که اینها از جنس خودشان هستند. روی این نقطه هم، دشمن فعالیت می‌کند. دشمن تلاش میکند دولت و مسوولین را در چشم مردم از صلاحیت و ابهت لازم ساقط کند. این، کار دشمن است. تخصص دشمن در این است که خبرها را تحریف کند و واقعیت‌ها را دروغ جلوه دهد.

بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر / ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

نقطه دیگری که دشمن روی آن تلاش میکند، روحانیت است. روحانیون چون در بین مردم محبوبیت و نفوذ و شخصیت داشتند، توانستند در دوران اختناق، پیام مبارزه را تا اعماق جامعه پیش ببرند و همه را از نظرات امام مطلع کنند. روحانیت مبارز این کار را کرد. مردم، روحانیت را دوست میداشته‌اند و به آنها اعتماد دارند. این اعتماد و ابراز محبت به روحانیون در کشور ما، یک سنت مربوط به طول قرن‌هاست. روحانیت اسلام در داخل کشور ما، متکی به مردم است و هیچ وقت وابسته به قدرتها نبوده است. امروز هم روحانیون به هیچ قدرتی وابسته نیستند و صد‌صد مردمی‌اند. مردم ما همیشه قداستی برای روحانیت قائل بوده‌اند و بحمدالله، امروز هم قائلند. مردم، روحانیت را مجموعه‌ای پاک و سالم و قابل اعتماد میدانند. میبینیم دشمن، از تجربه‌های خود در این زمینه، استفاده میکند. دشمن میفهمد که باید روحانیت را در چشم مردم، از حیثیت و اعتبار انداخت. همه تلاش‌شان این است! تبلیغات میکنند، دروغ میگویند، اگر مساله کوچکی را در جایی پیدا کنند، چندین برابر بزرگ میکنند و برای این‌که روحانیت را از چشم مردم بیندازند، خوبیا و گذشته‌ها و فداکاریها را نمیگویند. علم و دانش روحانیت را انکار میکنند و تقوای آنها را منکر میشوند؛ همچنان که پنجاه سال، در دوران رژیم پهلوی هم از این کارها میشد. روحانیت، که مجموعه‌ای علمی و تقوایی است، به وسیله بلندگوهای رژیم پهلوی، فاقد علم و تقوا معرفی شده بود. امروز هم همان تبلیغ کذا انجام میگیرد.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۲/۰۸/۱۲

دولت امریکا، یک نظام جبار را در کودتای بیست و هشتم مرداد سال ۲۲، در ایران بر سر کار آورد. بیست و پنج سال، انواع پشتیبانها را از آن نظام جبار ظالم غاصب خائن و فاسد انجام داد. در همان سال آخر؛ یعنی تقریباً آخرین سالی که آن رژیم نایجا و نابحق و فاسد بر سر کار بود، همان آقای که امروز در دنیا چهره مردم دوستی به خود گرفته است و این گوشه و آن گوشه دنیا، در قضایای بین‌المللی دخالت‌های بیجا و حضور بی‌فایده میکند، رئیس جمهور آمریکا بود. رئیس جمهور دمکرات امریکا، در همان حالی که ملت ایران نهایت شدت‌ها و سختیها را از دست آن رژیم فاسد غاصب میکشید، به ایران آمد، نان ملت ایران را این‌جا خورد، بر سر سفره رنگین غاصبان حکومت در ایران نشست و لذتهایش را برد، بعد هم با حالت سرمستی، ایستاد و اعلام کرد که: «ایران صاحب بهترین حکومتهاست. امن‌ترین جاهاست و اینها که بر سر کارند، بهترین حکامند!» انگار نه انگار که دست شاه تا مرفق به خون این ملت آلوده است.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۲/۱۱/۱۷

امروز، هنوز عده‌ای از همان بقایای نسل پرورش یافته دوران رضاخان - که دل سنگی داشتند و تحت تاثیر حقایق آشکار شده بعد از جمهوری اسلامی قرار نگرفتند - هستند که با نظام جمهوری اسلامی بدند؛ برای این‌که در راس این نظام یک روحانی است.

پارسایها، عدالت طلبها، ظلم ستیزها، مردم‌گرایها، انس با مردم و از مردم بودن مسوولان جمهوری اسلامی را میبینند و در عین حال، دشمنند! چرا دشمنند؟ برای این‌که در این مملکت پنجاه سال علیه روحانیت تبلیغات شده است. یک قزاق قلدر بیسواد بیمعرفت وابسته فاسد معتاد بدبخت، آمد و خودش و پسرش، پنجاه سال بر این مملکت حکومت کردند. آن آقایان که به اصطلاح، خودشان را «منورالفکر» هم میدانستند، تا کمر در مقابل آن بیسوادهای بیمعرفت بیدین، که واقعا هیچ چیز نداشتند - یعنی سلسله پهلوی - خم میشدند. حالا گذشتگان گاهی در وجودشان چیزی از علم و معرفت و فهم و عقلانیت وجود داشت. ولی این بیچاره‌ها - این پدر و پسر - به‌کلی از همه چیز تهی بودند. در مقابل اینها خضوع کردند و تسلیم شدند. اما نظام جمهوری اسلامی را که بر مبنای معرفت و علم و تقوا و توجه به خداست، قبول نمیکنند! برای چه؟ به سبب تبلیغاتی که علیه روحانیت شده است.

دیدار مردم دهدشت با رهبر انقلاب / ۱۳۷۲/۰۲/۱۸

رهبر انقلاب اسلامی به مردمی‌بودن نظام اسلامی اشاره کردند و فرمودند: وجود ۵۲ شهید در این منطقه نشانه روشنی از عشق و ایمان و علاقه عاطفی مردم با نظام است و مردم و مسئولان باید ارزش والای این ارتباط معنوی را با محبت روزافزون به یکدیگر قدر بدانند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۷۴/۰۲/۱۲

از اول انقلاب تا امروز، حقا و انصافا، در زمینه علم و کار، خیلی تلاش شده است. اگر کسی این را انکار کند، مثل این است که بگوید «الان به چه دلیل روز است؟» این قدر واضح است. اگر کسی به سطح کشور نگاه کند، افزایش دانش‌آموز، معلم، استاد، متخصص، دانشجو و کارگاه‌های فراوان، کار کشاورزی، صنعتی، کارهای دقیق و برجسته، ابتکارها و اختراعات زیادی میبیند که در این پانزده سال، اسلام برای این ملت آورده است. من و ما هم نمیتوانیم بگوییم «این کارها را ما کردیم». این دستاوردها، مال اسلام است. خاصیت ایمان، خاصیت حضور مردم و مردمی بودن حکومت است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۶/۰۲/۰۶

امیرالمومنین علیه الصلاه والسلام که مظهر ولایت اسلام و مصداق کامل ولی‌ای است که برای مردم مشخص شده است، در هیچ برهه‌ای، از این حالت ارتباط و اتصال و انسجام با مردم خالی نبوده است. نه در دورانی که او را عملا از حکومت کنار گذاشتند و مردم را از او به عنوان ارتباط حکومتی جدا کردند؛ یعنی عملا حکومت را از او گرفتند، ولایت و حکومت و فرماندهی و حکمرانی‌ای که در اسلام، از آن به «ولایت» تعبیر میشود و حق او بود از او سلب کردند - البته ولایت معنوی، آن چیزی که در امامت تشیع فرض شده است و وجود دارد، در هر حال هست و بسته به ولایت ظاهری نیست - و نه در دوره‌های دیگر، از ارتباط و اتصال با مردم خالی نبوده است. در همان وقت هم امیرالمومنین یکی از احاد ملت و جزو مردم است. منزوی و معزل و کناره‌جوی از مردم نیست. آن وقتی هم که به حکومت میرسد، یک حاکم به تمام معنا مردمی است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۶/۰۲/۰۶

اعتماد و اطمینان و پیوستگی و محبت مردم، حرکتی یکجانبه نیست که اگر مردم به کسی محبت کردند و دل بستند، هر کار هم بکنی، اینها محبت دارند. نخیر؛

این طور نیست. محبت و ارتباط مردم، یک امر دوجانبه است. باید از طرف مسئولان در همه سطوح، به مردم پاسخ داده شود. البته این پاسخ، انواع و میدانهای دارد. باید برای مردم کار شود. البته کار میشود. انصافاً هم هیچ منصفی نمیتواند منکر شود. در این کشور، دستگاه کار میکند. این هم از برکات همین مردمی بودن است که با اتکال به مردم، کار و تلاش، زیاد انجام میگردد.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۷۶/۰۳/۰۷

یکی از بزرگترین افتخارات انقلاب ما، مردمی بودن و مردمی ماندن است. این، نعمت بزرگی است که باید آن را پاس داشت و قدر دانست. در دنیا، بسیاری از دولتهایی که به وسیله انقلابها، یا به وسیله کودتاها، یا به طرق گوناگون دیگر روی کار میآیند، نمیتوانند حمایت مردمی را برای خودشان حفظ کنند. حتی دیده شده است، دولتهایی که با کمک مردم بر سر کار آمده‌اند، بعد بلافاصله با یک حرکت تند و انقلابی اعلام کرده‌اند که مثلاً تا فلان مدت، انتخاباتی انجام نخواهد گرفت، یا وعده داده‌اند، ولی به وعده خود عمل نکرده‌اند. جمهوری اسلامی، در اولین سال پیروزی انقلاب - سال پنجاه و هشت - پنج انتخابات برگزار کرد و تا امروز هم مرتب ادامه داشته است.

حضور مردم، نعمت بزرگی است. این نعمت که بحمدالله در همین روزها یک تجربه و آزمایش شیرین و پرشکوه دیگر از آن مشاهده شد و صحنه بسیار زیبایی را آفرید که در دنیا و در تاریخ مایه افتخار ملت ایران و جمهوری اسلامی و انقلاب شد - انتخابات ریاست جمهوری - جای شکرگزاری دارد. انتخابات - از جمله انتخابات اخیر - همه از برکات مردمی بودن و همین نعمت بزرگ خداست. عزیزان من! در برابر نعمت باید شکر کرد.

بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور ذوالفقار / ۱۳۷۶/۰۷/۰۵

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران - چه ارتش، چه سپاه، چه نیروی انتظامی و چه بسیج عظیم مردمی - تا امروز هم برای ملت ایران و انقلاب اسلامی زینت بوده‌اند. هر جا نام و یاد آنهاست، ذکر خیر نظام جمهوری اسلامی است. شجاعت آنان، مردمی بودن آنان، ایمان آنان، انصاف و جوانمردی آنان حتی با دشمن و قراردادن در کنار آحاد ملت، افتخارات بزرگی است که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از آن برخوردارند. این امتیاز متعلق به اسلام است. اینها متعلق به احکام و آموزشهای دینی است. این اسلام است که به ما آموخت چگونه میشود نیروی مسلح بود و در میان کشور و سازمانهای موجود کشور، از قدرت سلاح برخوردار بود، اما حتی از آنها مردمیتر و از بسیاری از آنها با ارزشهای اسلامی آمیخته‌تر و نزدیکتر بود. اینها هنر آموزشهای اسلامی است.

بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور ذوالفقار / ۱۳۷۶/۰۷/۰۵

کشوری که این همه جوان دارد، این همه استعداد دارد، این همه توانایی دارد و بحمدالله یک نظام مردمی دارد - حکومت از آن مردم، متعلق به مردم و برای مردم؛ نیروهای مسلح در کنار مردم، کمک کار مردم، مدافع از مردم و زینت و مایه سرفرازی ملت - از کسی نمیترسد.

پیام به مناسبت حلول سال نو / ۱۳۷۷/۰۱/۰۱

یکی از بزرگترین شاخصهای مردمی بودن حکومتها در دنیا، عبارت است از این که مردم در انتخابات و گزینشهای بزرگ ملی، چقدر شرکت میکنند. در آن کشوری که بیش از هشتاد درصد حائزین شرایط برای رای دادن در پای صندوقها حضور می‌یابند - یعنی کشور ما - طبق معیارهای جهانی با همه منطقها و زبانهایی که امروز در دنیا، در عالم سیاست و مسائل سیاسی و اجتماعی مطرح و قابل فهم است، حکومت و نظام، نظامی مردمی است؛ نظامی است که در آن، حضور مردم محسوس است.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۷/۰۲/۰۲

این برای اولین بار در طول قرون متمادی است که به برکت انقلاب در این کشور، حکومتهایی سر کار می‌آیند که ملاک مسئولان حکومتها، علم، تقوا، عدالت، مردم‌دوستی و گزینش مردم است. با مردمند؛ برای مردم و در خدمت مردمند؛ اهل سو استفاده، دزدی و سرسپردگی به دشمن نیستند. این حقایق در تاریخ طولانی ایران، قرن‌ها سابقه نداشته است. اینها را اسلام و انقلاب به این ملت داد.

پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی / ۱۳۷۷/۱۱/۲۱

امام بزرگوار ما در این مدت در عین هدایت مردم و گستردن دامنه‌ی آگاهی همگانی و کشاندن توده‌ی میلیونی به مبارزه، اندیشه‌ی حکومت اسلامی را نضج و قوام بخشید و در مقابل دو مکتب رایج سیاسی عالم یعنی حکومت دیکتاتوری حزبی کمونیستی در شوروی سابق و چین و افسار آنها در اروپا و آفریقا و دیگر نقاط، و حکومتهای پارلمانی غربی که سلطه‌ی سرمایه‌داران و کمپانیها بر فکر و اخلاق و سرنوشت مردم به نام دموکراسی بود، راه اسلامی را مطرح کرد که در آن بر دو عنصر دین و انسان به طور اساسی تکیه شده و ایمان دینی و اراده‌ی مردمی بزرگترین شاخصه‌ی آن است. نظام اسلامی در مکتب امام خمینی نظام عدل و ایمان و عقل و آزادی و مردمگرایی است، و استقلال ملی و رد نظام سلطه‌ی بین‌المللی در مکتب امام بزرگوار ما دارای چنین ریشه‌های عمیقی است.

بیانات در دیدار مسئولان شوراهای اسلامی / ۱۳۷۸/۰۳/۰۴

دشمنان اسلام هیچ وقت به این که نظام جمهوری اسلامی یک نظام متکی به مردم است، اعتراف نکرده‌اند. میبینند، میفهمند، اما اعتراف نمیکنند. همان‌گونه که دشمنان حقیقت همواره حقیقت را میشناختند، امروز هم میشناسند؛ اما حاضر نیستند به آن حقیقت اعتراف کنند؛ ولی حقیقت، حقیقت است؛ چه دشمن اعتراف کند، چه اعتراف نکند. بیست سال از عمر نظام جمهوری اسلامی میگذرد، بیست انتخابات - به‌طور متوسط، هر سال یک انتخابات - در این کشور برگزار شده است؛ یعنی مردم در میدان عمل و در میدان تصمیم‌گیری، حضور داشته‌اند. در عین حال، در همه‌جا بوقهای استکباری، کشور ما و نظام ما را به دیکتاتوری، به استبداد و به غیر مردمی بودن متهم میکنند؛ حاضر نیستند اعتراف کنند و حقیقت را بپذیرند؛ چون دشمنند. دشمن به هیچ نقطه حسنی از شما اعتراف نخواهد کرد.

دیدار جمع کثیری از دانشجویان و اعضای جهاد دانشگاهی با رهبر انقلاب / ۱۳۷۸/۰۵/۱۴

رهبر معظم انقلاب اسلامی یکی دیگر از برکات انقلاب اسلامی را مردمی بودن دولت دانستند و افزودند: حضور مقتدرانه دولت ایران در عرصه بین‌المللی به پشتوانه عظیم ملت ایران ممکن شده است و همین عامل قادر است بسیاری از مشکلات کشور را حل کند.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای بیرجند / ۱۳۷۸/۰۶/۰۶

روح فداکاری در این ملت، همان حصن و حصار الهی است که دشمن نتوانسته است از آن عبور کند. بعضی می‌خواهند این روح فداکاری را با تبلیغات، با عمده کردن بعضی ارزشهای درجه‌ی دو و با انکار کردن ارزش فداکاری در راه خدا، در میان ملت ما از بین ببرند. این دشمنی است؛ این بلاهت و کندذهنی است. ملتی که روحیه فداکاری را ندارد، باید در خود ایجاد کند؛ حال ملت ما که این روحیه را دارد، آن را از دست بدهد! آیا این هوشمندی است؟ آیا این مردم دوستی است که

انسان، ملتی را که مرد میدان خطر است، از خطرپذیری برحذر دارد؟! این دلسوزی است؟ ملت زنده، آن ملتی است که چه در دوران جنگ، چه در دوران صلح، چه در دورانی که دشمنش پشت مرزها ایستاده، چه آن وقتی که دشمن با مرزها فرسنگها فاصله دارد، چه در هنگامی که وظیفه‌ی او سلاح به‌دست گرفتن است و چه در هنگامی که وظیفه‌ی او فکر کردن است - در همه‌ی موارد - رشادت و دلیری خود را حفظ و روح فداکاری را در خود زنده نگه دارد. چنین ملتی زنده است و بحمدالله شما زنده‌اید.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۸/۰۸/۱۲

قضیه دوم، قضیه سیزدهم آبان سال پنجاه‌وهفت است که دوران شور و اعتلاي مبارزات ضد رژیم و ضد امریکایی در ایران است. این باز یک چهره دیگر را نشان میدهد. در چنین روزی، دستگاه‌های وابسته به رژیم - که همه یا بسیاری از آنها تربیت شده و دستور گرفته از امریکاییها بودند - حتی به دانش‌آموزان هم رحم نکردند. در این حادثه، دهها دانش‌آموز کشته شدند. البته همیشه میکشند، همیشه بر روی مردم فشار می‌آورند؛ اما این‌طور یکجا در شهر تهران این تعداد دانش‌آموز به خاک و خون کشیده شوند، این هم یک چهره دیگر استکیار است. این مربوط به کجاست؟ این مربوط به آن جایی است که مبارزات ملت با آن استکیار زیاده‌طلب و فروتنخواه بالا میگردد. در چنین شرایطی، استکیار دیگر به هیچ چیز رحم نمیکند. علی‌رغم همه شعارهای انسان دوستی و مردم دوستی و طرفداری از جوانان، حتی با دانش‌آموز هم که سر و کار می‌افتد، دهها دانش‌آموز را به قتل میرساند!

بیانات در پاسخ به پرسش‌های دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف / ۱۳۷۸/۰۹/۰۱

اصول همیشه محفوظ است. الان شما ملا-حظه بفرمایید؛ از زمان ریاست جمهوری بنده، که آنوقت رئیس دولت کسی بود، بعد رئیس دولت کس دیگری شد؛ و زمان بعد از ریاست جمهوری بنده، که رئیس دولت کس دیگری شد؛ با این‌که سلاخی سیاسی و اقتصادی تفاوت‌های گوناگونی کرده، اما درعین‌حال همواره در این مدت، آن پایه‌های فکری - یعنی اعتقاد به اسلام، اعتقاد به امام، اعتقاد به نظام اسلامی، اعتقاد به مردمی بودن جامعه - همه سر جای خود محفوظ است. این اعتقادات چیرهایی نیست که حتی با آمدن و رفتن دولت‌ها عوض شود. بنابراین قابل اشتباه نیست.

دیدار مدیران کمیته امداد امام خمینی(ره) با رهبر انقلاب / ۱۳۷۸/۱۲/۱۲

مقام معظم رهبری با تشکر از زحمات و خدمات مسوولان و امدادگران کمیته امداد امام خمینی(ره)، و تقدیر از آنان به خاطر سعی در تقلیل هزینه‌های جاری و مردمی بودن این دستگاه، در تبیین این نکته که کمک به آب و نان مردم می‌تواند موجب افزایش ایمان شود، فرمودند: در دنیا کسانی که معارف علوی را بفهمند، کم هستند، ولی رفتن امیرالمومنین به خانه سالخوردگان و سرپرستی یتیمان باعث شده است که افراد مسیحی و یهودی، حتی افراد مادی عاشق و شیدای علی (علیه السلام) شوند.

بیانات در دیدار با جوانان در مصلاک بزرگ تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

مردمی بودن حکومت هم یکی دیگر از ارزشهایی است که حاکمیت اسلام و معارف اسلامی به این مملکت هدیه کرده است. مردمی بودن، ارزشی بالاتر از انتخاب شدن به وسیله مردم است. بعضی افراد ممکن است در یک نظام دموکراتیک، به شکل دموکراتیک هم انتخاب شوند، اما با مردم رابطه‌ای نداشته باشند. اینها مردمی نیستند. در کشور اسلامی ما، مردمی بودن یک ارزش است. رئیس جمهور مردمی است؛ مسوولان مردمیند و میخواهند مردمی باشند. هر کس بیشتر به مردم نزدیک باشد، بیشتر احساسات مردم را درک کند و بیشتر با مردم احساس و ابراز همدردی کند، مردم به او علاقه بیشتری نشان میدهند. این هم یکی از امتیازات بزرگ وضع کنونی ماست.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۲۲

رژیمهای کمونیست، رژیمهای مستبدی بودند که با شعار حکومت مردمی سر کار آمده بودند؛ اما اشرافی هم بودند؛ با این که دم از ضدیت با اشرافی‌گری می‌زدند، اما عملاً حکومت‌های اشرافی بودند. از لحاظ استبداد، در نهایت درجه استبداد بودند و حاکمیت مطلق دولت بر اقتصاد، بر فرهنگ، بر سیاست و بر فعالیتهای گوناگون اجتماعی و غیره به چشم می‌خورد؛ در رژیمهای شرقی، مردم هیچ‌کاره محض بودند. بنده از نزدیک رفته بودم و این کشورها را در اواخر عمرشان دیده بودم. حتی در راس بعضی از کشورهای عقب افتاده و فقیرشان هم یک رژیم به اصطلاح و به قول خودشان کارگری سر کار بود؛ اما همان رفتارهای اشرافی‌گری و همان کارهای غلط دربارهای قدیم را تکرار می‌کردند؛ نه انتخاباتی در این کشورها بود، نه رای مردمی در کار بود؛ اما به خودشان دموکراتیک هم می‌گفتند و ادعای مردمی بودن می‌کردند؛ مردم هیچ‌کاره محض بودند؛ از لحاظ اقتصادی، صددرصد وابسته به دولت؛ از لحاظ کارهای فرهنگی، صددرصد وابسته به دولت؛ معلوم بود که چنین رژیم‌هایی محکوم به فنا بود. البته چون شعارهاشان، شعارهایشان برای و جذابی بود، توانستند در اطراف دنیا جوانانی را به سمت خودشان جذب کنند و حکومت‌هایی تشکیل دهند؛ اما دیگر نمی‌توانستند عمری بکنند. دیدید آخرش هم به کجا رسیدند؛ بعد از چند ده سال به‌کلی زایل شدند. طبیعی بود که آن رژیمها برای ما قابل الگو گرفتن نبود. آن روزی که انقلاب ما پیروز شد - یعنی بیست و یک سال قبل از این - هیچ انقلابی در دنیا وجود نداشت که وقتی پیروز می‌شد، به همین حکومت شرقی - یا مارکسیستی و یا سوسیالیستی که مرتبه‌ی رقیترش بود - گرایش نداشته باشد؛ لیکن اسلام و ملت ایران و رهبر این ملت آن را رد کردند و قبول نداشتند و کنار گذاشتند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۲۲

رژیم طاغوت و رژیمهای قبل از آن در ایران، مردمی نبودند. مردم هیچ‌کاره بودند. یک نفر به کمک انگلیسها آمده بود، در تهران کودتا کرده بود و خودش را پادشاه نامیده بود. بعد هم که خواست از ایران برود - یعنی خواستند او را ببرند؛ چون پیر شده بود و به‌دردشان نمی‌خورد - پسرش را جانشین خودش کرد؛ آخر این پسر کیست و چیست؟! پس مردم چه‌کاره‌اند و رای آنها چیست؟! اینها اصلاً مطرح نبود. قبل از آنها هم فاجاریه بودند. یک فاسد می‌مرد، یک فاسد دیگر به جای خودش می‌گذاشت. مردم در اداره و تعیین حکومت، هیچ‌کاره محض بودند. مردم این را نمی‌پسندیدند. مردم می‌خواستند که حکومت متعلق به آنها باشد؛ برخاسته از آنها باشد؛ رای آنها در آن اثر داشته باشد.

...

ارزشها که می‌گوییم، یعنی دین، ایمان، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، آزادی فکر، رواج اخلاق فاضله، حکومت مردمی، حکومت صالح و انسانهای برخوردار از دین و تقوا در راس کارها، ابزار تحقق این خواسته‌ها چه بود؟ روح ایمان و جهاد و فداکاری و ایثار همین مردم مومن. آن چیزی که توانست این بنای رفیع و این بنای اسلامی را بعد از قرن‌ها در این مملکت استوار کند، چه بود؟ آن عبارت بود از این که ارزشهایی از این قبیل - که عرض کردیم - پایه بنای نظام جدید باشد و زندگی نوینی در این منطقه از عالم براساس این ارزشها به وجود آید.

بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل / ۱۳۷۹/۰۵/۰۵

این تجربه از نظر مسلمانهای دنیا، تجربه موفقی بود. شعارهایی که دشمنان ما میدادند، این بود که این تجربه پنج سال هم دوام نمی‌آورد؛ میگفتند دو سال هم دوام نمی‌آورد؛ بیست و یک سال است که از عمر نظام اسلامی میگذرد و در دنیا همه اعتراف دارند که امروز از ده سال پیش، و ده سال پیش از اول انقلاب، به مراتب

قویتر است؛ اعتماد مردمی و رابطه با مردم را حفظ کرده، تلاش فراوان کرده، استقلال خودش را حفظ کرده و شعارهایش را به میزان زیادی تحقق بخشیده است. البته تحقق شعارها در هیچ جای دنیا و در هیچ شرایطی، در زمانهای کوتاه امکانپذیر نیست؛ بخصوص با این همه مخالفت و دشمنی؛ لیکن پیشرفت خوبی کرده است؛ این میشود یک الگو؛ این الگوی موفق است. اگر با این کنار بیایند و این را همین‌طور که هست، بپذیرند، در واقع برای کشورهای دیگر پای این الگو مهر امضا زده‌اند.

آنها حاضرند کنار بیایند، اما به شرط این‌که جمهوری اسلامی، دیگر «جمهوری اسلامی» نباشد؛ «جمهوری» نباشد؛ «اسلامی» هم نباشد؛ نه متکی به مردم و نه بر محور اسلام باشد. اگر این‌طور شد، آنوقت با کمال میل حاضرند جلو بیایند؛ در راس حکومت هم هر که باشد! اگر یک روز انسانی مثل من هم حاضر شود خودش را از اوج سعادت به حسیض ذلت پرتاب کند و از همه آرمانهایش بگذرد و قبول کند که سر کار بماند - ولو اسلامیت و مردمی بودن هم نباشد - آنها با او میسازند! آنها با اشخاص به عنوان اشخاص طرف نیستند؛ با جهتها، با آرمانها و خطها طرفند. تا وقتی «جمهوری» است و «مردمی» است - آن هم مردم مسلمان پرشور این خطه عظیم و ایران بزرگ - و تا وقتی بر محور اسلام است، من نمیبینم که بتوانند دشمنی را متوقف کنند.

بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۰/۰۲/۱۲

عنصر دومی که امام به آن حداکثر توجه را کرد، عنصر «مردم» بود. تقریباً در همه نظامهای حکومتی در دنیا، از مردم صحبت میشود و هیچ‌کس نمیگوید که من میخواهم برخلاف مصلحت مردم کار کنم. حتی در رژیمهای استبدادی سلطنتی موروثی، هیچ‌کس نمیگوید که من میخواهم بر خلاف میل مردم عمل کنم. بنابراین ادعای مردمگرایی وجود دارد؛ اما مهم این است که حقیقتاً در کجا برای مردم شان و منزلت و حق و نقش قائل میشوند. وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه میکرد، لفاظی نمیکرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود.

...

سلام‌گرایی در نظام اسلامی، از مردم‌گرایی جدا نیست. مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه اسلامی دارد. وقتی ما میگوییم «نظام اسلامی»، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردم‌سالاری ما - که مردم‌سالاری دینی است - دارای فلسفه و مبناست. چرا باید مردم رای دهند؟ چرا باید رای مردم دارای اعتبار باشد؟ این متکی بر احساسات توخالی و پوچ و مبتنی بر اعتبارات نیست؛ متکی بر یک مبنای بسیار مستحکم اسلامی است. پس یکی از عرصه‌هایی که امام همواره بر آن تاکید میکرد و آن را در ساخت نظام اسلامی کار گذاشت و برای همیشه آن را ماندگار کرد، مساله حضور مردم در انتخاب مسئولان نظام و منتهی شدن مسوولیتها به اراده و خواست مردم است.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش / ۱۳۸۱/۰۲/۲۶

اینها دم از دوستی مردم و محبت به ملت‌ها میزنند! واقعا این بخش از قضیه خیلی وقاحت لازم داشت. امریکاییها در کشورهای مختلف دنیا جنایت میکنند، که آخرین آن در افغانستان است. غیر از فجایع و جنایاتی که اینها در هنگام حمله به افغانستان به نام مبارزه با طالبان یا یک گروه خاص انجام دادند، پس از آن هم به طور مرتب فاجعه‌آفرینی میکنند؛ بمباران میکنند، دهها نفر را میکشند، بیش از صد نفر را مجروح میکنند؛ بعد هم میگویند اشتباه شد، ولی ما عذرخواهی نمیکنیم! کاروان مردم را که برای شرکت در مراسم سیاسی خود راهی کابل بودند، بمباران میکنند، بعد میگویند ما خیال کردیم اینها جزو فلان گروه هستند که برای خرابکاری می‌آیند! این، مردم‌دوستی آنهاست.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه‌شعبان / ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحافاده، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمانها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را بر از عدل و داد نمیکنند؛ امام زمان از احاد مومن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار میبخشد و یک حکومت صدرصد مردمی تشکیل میدهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومتهای مدعی مردمی بودن و دمکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنچه امروز در دنیا اسم دمکراسی و مردم‌سالاری را روی آن گذاشته‌اند، همان دیکتاتورهای قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است؛ یعنی دیکتاتوری گروهها. اگر رقابت هم وجود دارد، رقابت بین گروههاست و مردم در این میان هیچکاره‌اند.

بیانات در دیدار مردم قزوین / ۱۳۸۲/۰۹/۲۵

کسانی که راه را عوضی برونند و عدالت را ندیده بگیرند، اشتباه میکنند. کسانی که معنویت را ندیده بگیرند، اشتباه میکنند. کسانی که شایسته‌سالاری را ندیده بگیرند، اشتباه میکنند. کسانی که مردمی بودن مسئولان را فراموش کنند، اشتباه میکنند. راه از این جهت دشوار است و حرکت در این راه از این جهت با موانع بزرگ مواجه است که در آن باید همه این معیارها رعایت شود.

بیانات در دانشگاه افسری امام علی(ع) / ۱۳۸۲/۱۰/۰۲

امروز نیروهای مسلح در چشم ملت ایران عزیزند. امروز نیروهای مسلح، چهره‌ی متکبر و زورگو، احساس جدایی از ملت و اقتدار دورکننده‌ی هر انسانی از متن مردم را ندارند. این روحیه را در خودتان تقویت کنید؛ روحیه‌ی از مردم بودن، بامردم بودن، برای مردم بودن و در راه هدفهای مردم بودن. در فضای دانش و شور و نشاط جوانی در این دانشگاه، فرصت را برای پالایش روحی خود مغتنم بشمارید.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۲/۱۲/۲۷

امروز غرب میدانند که در این منطقه یکی از مردمیترین نظامها، نظام جمهوری اسلامی است؛ این قابل انکار نیست. نظام جمهوری اسلامی که از صدر تا ذیل، همه‌ی کارهایش متکی و مستند به آرا مردم است، شخصیت‌های اثرگذار درجه‌ی اولش منتخبان مردمند و حضور و حمایت و عواطف مردم پشتوانه‌ی اساسی آن است، از لحاظ برخی از ابعاد مردمی بودن، در دنیا - نه فقط در منطقه - بی‌نظیر است. حتی اغلب دمکراسیهای رایج دنیا هم این‌طور حمایت مردمی و انبوه دلها را پشت سر خودشان ندارند، ولی ما بحمدالله داریم؛ این را دشمن هم دارد میبیند.

بیانات در مراسم صبحگاه رده‌های مختلف نیروی مقاومت بسیج / ۱۳۸۴/۰۶/۰۲

ملت ما ملت جوانی است. این جوانها بیدارند و دل‌هایشان با اعتقاد به میانی اسلام و آرمانهای اسلامی محکم است. بسیج در واقع یک حرکت گسترده‌ی مردمی است. خلیفها ممکن است داخل در نیروهای بسیج و گردان‌های مقاومت و نیروی مقاومت سپاه هم نباشند؛ اما در دل، بسیجی باشند. در نظرخواهیهای که از جوانهای ما کردند، بیش از ۹۰ درصد جوانهای کشور در این نظرخواهی اعلام کردند که آماده‌ی دفاع از ملتند. این، معنای بسیج است.

دیدار ائمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۸۴/۰۸/۲۳

رهبر انقلاب در بخش دیگری از سخنان خود، ائمه‌ی جمعه را به ارتباط بیش از پیش با مردم و حفظ روحیه‌ی مردمی و گشاده‌رویی در برخورد با مردم توصیه کردند و افزودند: امام جمعه باید از موضع یک پدر، رفیق و مشاور امین با مردم ارتباط برقرار کند.

بیانات در سومین کنفرانس حمایت از حقوق مردم فلسطین / ۱۳۸۵/۰۱/۲۵

در دایره‌ی وسیع‌تر؛ یعنی جهان اسلام نیز دست یافتن به این هدف والا؛ یعنی رهایی از سلطه و زورگویی و دخالت استعمارگران و زندگی در سایه‌ی اسلام ممکن و شدنی و البته متوقف بر جهادی از نوع دیگر است. این، جهادی علمی و سیاسی و اخلاقی است؛ ملت ایران در بیست‌وهفت سال گذشته آن را آزموده و میوه‌های شیرین آن را چشیده است. پایه‌ی این جهاد مقدس، ایمان‌گرایی، مردم‌گرایی و علم‌گرایی است و خصوصیت آن، این است که هر گام استوار در آن، گام بعدی را استوارتر و طی هر مرحله‌اش، مرحله‌ی بعدی را ممکن‌تر میسازد.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی / ۱۳۸۵/۰۲/۲۹

عدالت، با من بمیرم، تو بمیری درست نمیشود؛ عدالت، با تعارف درست نمیشود؛ اولاً قاطعیت می‌خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می‌خواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می‌خواهد؛ این هم جزو پیش شرطها و پیش نیازهای اجرای عدالت است. اول، باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم، تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم؛ وظیفه‌ی من و شما اینهاست. واقعاً باید با ویژه‌خواران و فساد مبارزه کنیم.

بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۵/۰۴/۰۴

شاخصه‌های اصولگرایی، شاخصه‌های مهمی است؛ این شاخصه‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، که من به بعضی از اینها اشاره می‌کنم. در اظهارات شما هم هست، آن را می‌گویند و تکرار می‌کنید و در برنامه‌هایتان می‌گنجانید. تحقق مجموعه‌ی این شاخصه‌ها به معنای حقیقی کلمه، آن وقت دولت را به عنوان یک دولت اصولگرا معرفی خواهد کرد.

...

«ساده‌زیستی و مردم‌گرایی» شاخصه‌ی دیگری است که بحمدالله دارید.

دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت با رهبر انقلاب / ۱۳۸۵/۰۷/۰۹

ایشان با اشاره به جهت‌گیری‌های دولت نهم برای خدمت به مردم افزودند: در شرایط کنونی که ارزش‌های دینی و انقلابی، مردمی‌بودن و رعایت خیر و صلاح مردم از جهت‌گیری‌های اصلی دولت به شمار می‌روند، بهترین فرصت برای خدمت به مردم به وجود آمده که باید از این فرصت با همه‌ی توان بهره برد.

بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

امروز روحانیت در کشور ما یک نقش ممتاز و بی‌نظیری دارد.

این که می‌گویم «امروز»، این نه به خاطر فقط شرایط خاص جمهوری اسلامی است؛ بلکه اساساً روحانیت شیعه همواره خصوصیتی منحصر بفرد داشته است و امروز هم که نظام جمهوری اسلامی برپاست و مسئولان آن بعضاً از خود این حوزه‌ها برخاسته‌اند و صیغه‌ی روحانیت و دینی در این حکومت مشهود است، باز حوزه‌های علمیه‌ی شیعه همان خصوصیت را حفظ کرده‌اند. آن خصوصیت چیست؟ آن عبارت است از «استقلال و مردمی بودن».

پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره مجلس خبرگان / ۱۳۸۵/۱۲/۰۱

الگوی نوین مردمسالاری دینی، راه جدیدی را به بشریت ارائه کرده است که زندگی انسان در آن، از آفات نظامهای بنا شده بر استبداد فردی و حزبی یا برآمده از نفوذ زرسالاران و چپاولگران، و از غرقه شدن در وادی مادپرستی و اباحیگری و دور افتادن از معنویت، میرا گردد، و تقابل و تضاد خداپرستی با مردم‌گرایی را در عمل تخطئه کند.

بیانات در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۶/۰۳/۱۴

سالهای متمادی، سیطره‌ی غرب بر این منطقه مستحکم شده بود. بعد از جنگ بین‌الملل دوم، تقریباً کار تسلط بر منطقه‌ی خاورمیانه تمام شده بود. از سالها قبل، استعمار شروع کرده بود و در این دوره، کار را تمام‌شده میدید. عراق یک جور زیر سلطه، ایران جور دیگر، کشورهای عربی - اردن و سوریه و لبنان و مصر و کشورهای دیگر - هر کدام به نحوی زیر سلطه‌ی سنگین استعمارگران و سلطه‌گران غربی و اروپایی و سپس امریکائی بودند. برای محکم کردن کار، رژیم غاصب اسرائیل را هم در این منطقه حساس به وجود آوردند تا مطمئن باشند که غرب به وسیله‌ی صهیونیستها، در این منطقه حساس، وجود محسوس و نظامی و سیاسی و فعالی دارد و همه چیز را کنترل کند.

در سالهای آخر نیمه‌ی اول و اوایل نیمه‌ی دوم آن قرن، تحولات آزادیخواهانه در کشورهایی به وجود آمد، اما غریبها بسرعت توانستند آنها را کنترل کنند و زیر پنجه‌ی خودشان بگیرند. عراق را یکجور، بعضی کشورهای دیگر عربی را جور دیگر، مصر را به نحوی دیگر؛ نمی‌گذاشتند به هیچ‌وجه کنترل این منطقه حساس و سرشار از منابع حیاتی از دست آنها خارج شود. در چنین شرائطی، ناگهان انقلاب اسلامی آنها را غافلگیر کرد. باور نمی‌کردند نهضت روحانیت و رهبری امام به یک چنین حرکت عظیم مردمی تبدیل شود. ملت ایران یکبارچه وارد میدان شد. همت ملت ایران و رهبری بی‌نظیر امام بزرگوار ما این حادثه‌ی معجزه‌گون را آفرید.

بیانات در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۶/۰۳/۱۴

ما باید بدانیم و توجه کنیم که تداوم این حرکت مبارک، بسته به این است که خطوط اصلی این حرکت را هرگز از یاد نبریم؛

...

خط اصلی دوم، مردمی بودن است. مردمی بودن در نظام جمهوری اسلامی، یک شاخصه‌ی اصلی است؛ یعنی رای مردم، هویت مردم، کرامت مردم، خواست مردم، از جمله‌ی عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و این بنای مستحکم است. رای مردم تعیین‌کننده است. نیازهای مردم، هدف اساسی دولتمردان و نظام جمهوری اسلامی است. این نیازها، هم نیازهای مادی است و هم نیازهای معنوی و اخلاقی و روحی.

در نظام جمهوری اسلامی همچنانکه اقتصاد مردم اهمیت دارد، امنیت مردم هم اهمیت دارد؛ همچنانکه امنیت جسم آنان دارای اهمیت است، امنیت اخلاق آنان هم دارای اهمیت است؛ همچنانکه حفظ تشکیلات کشوری مهم است، حفظ نظام خانواده هم مهم است. جمهوری اسلامی در مقابل همه‌ی این نیازهای مردم، خود را موظف میداند و مردم به معنای حقیقی کلمه، صاحب رای و صاحب اختیارند؛

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز ولادت امیرالمومنین علیه‌السلام / ۱۳۸۶/۰۵/۰۴

امروز امریکا یکی از منفورترین کشورها در همه‌ی دنیاست؛ هرچا نظرخواهی میکنند، نتیجه این است. و نظام جمهوری اسلامی به برکت ایستادگی ملت ایران، به برکت شعار عدالت و مردم‌دوستی - که بحمدالله امروز در این کشور، این شعار بر زبان دولتمردان به طور دائم وجود دارد - در چشم ملت‌های مسلمان عزیز است.

دیدار فرماندهان سپاه با فرمانده کل قوا / ۱۳۸۶/۰۶/۱۸

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به نوآوری‌ها و رویش‌های بسیار فراوان سپاه در سال‌های گذشته، بر لزوم ادامه‌ی حرکت پرشتاب در این مسیر و قانع نشدن در وضع موجود تأکید کردند و افزودند: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید همواره مردمی‌بودن خود را حفظ کند و به بسیج به عنوان بدنه‌ی ارزشمند خود، بیش از پیش اهمیت دهد.

بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهراهای بسیج / ۱۳۸۶/۰۹/۰۵

بسیج مثل انقلاب، مردمی بود و مردمی است. درست است که شما در قالب مجموعه‌های وابسته‌ی به نیروی مقاومت، شکل گردانهای رزمی می‌گیرید، آمادگیهای نظامی پیدا میکنید و در میدان نبرد خودتان را نشان دادید و اگر یک روزی کشور باز نیاز به نیروی نظامی و جنگی پیدا کند، در صفوف مقدم هستید؛ این درست است، اما جنگ همه‌ی محتوای بسیج نیست. بسیج، گسترده‌ی در همه‌ی عرصه‌های زندگی است. آن وقتی که نوبت سازندگی است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت مدد‌رسانی و خدمات است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت تحقیقات بسیار دقیق و ریز و حساس است، نیروهای بسیجی در صفوف اولند. امروز شما نگاه کنید در همین قضیه هسته‌ای، در این فناوری پیچیده و بسیار دشوار، جوانهائی که آنجا هستند، جوانهای متدین و اجزا طبیعی و حقیقی بسیج را تشکیل میدهند. در همه جا همینجور است.

...

در همه‌ی عرصه‌های زندگی در کشور عزیز ما و در نظام جمهوری اسلامی، بسیج حضور دارد. یک بعدش، این بعد نظامی است و تحرکات نظامی و آموزشهای نظامی و تربیت نظامی و انضباط نظامی. مثل خود انقلاب مردمی است. هر عنصری، هر فردی، هر مجموعه‌ای که بتواند این خصوصیت انقلاب را با خود همراه داشته باشد، مثل انقلاب ماندگار و جاودانه است؛ مثل انقلاب موثر و فعال و اثرگذار در محیط حضور خود هست. در میدان سیاست هم مردمی بودن، در میدان سازندگی هم همینجور، در میدان مدیریت کلان کشور هم مردمی بودن، عنصر مردمی بودن. انقلاب مردمی است، بسیج هم مردمی است.

دیدار مسئولان اجرایی و جمعی از اقبشار مختلف مردم استان یزد با رهبر انقلاب / ۱۳۸۶/۱۰/۱۶

رهبر انقلاب اسلامی مهم‌ترین وظیفه‌ی مسئولان در شرایط کنونی را کار و تلاش بی‌وقفه و خدمت به مردم دانستند و تأکید کردند: مردمی‌بودن مسئولان و ارتباط نزدیک آنان با مردم و خود را خدمت‌گزار مردم دانستن و دچار غرور نشدن و حفظ پاکدامنی و مسئولیت‌شناسی از جمله وظایف سنگین مسئولان در رده‌های مختلف است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی عملکردش یک عملکرد با نمره‌ی بسیار خوب است. در مقابل این همه مشکلات مگر طاقت می‌آورند؟ در دوره‌ی ما حوادث جابه‌جایی قدرت در آفریقا و در آسیا و در خیلی جاها انجام گرفته بود؛ هیچکدام طاقت نیاوردند. در دوران قبل از ما هم انقلابهای بزرگ دنیا - مثل انقلاب کبیر فرانسه، مثل انقلاب اکتبر شوروی - در مقابل این حوادث گوناگون هیچکدام طاقت نیاوردند، یعنی از همان اول منحرف شدند. خصلت مردمی بودن، خصلت اسلامی بودن، خصلت آرمانگرا بودن، اینی که جوان انقلابی امروز بعد از سی سال اینجا می‌ایستد، آرمانهای انقلاب را به عنوان آرزوها و مطالبات خودش در میان می‌گذارد و با صدای بلند مطرح میکند، این خیلی توفیق بزرگی است برای انقلاب. هرگز در انقلابهای دیگر اینطور نبود.

بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم / ۱۳۸۷/۰۲/۲۱

آقایان و خانمهای نماینده سعی کنند مردمی بمانند. مردمی بودن هم فقط این نیست که انسان هر گاهی یک بار به محل انتخابات سر بزند. البته آن خیلی لازم است، باید رفت، سرزد، با مردم ملاقات کرد، منقطع از مردم نباید شد؛ در این شکی نیست؛ اما فقط این نیست؛ نباید ما در جمهوری اسلامی کمک کنیم به ایجاد یک طبقه‌ی جدید، یک طبقه‌ی برخوردار اشرافی جدید. نباید بگذاریم این کار انجام بگیرد. این هم با دستور و حکم و فرمان حاصل نمی‌شود، با دل، با ایمان، با انگیزه، شدنی است.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

امتیاز سوم هم روحیه‌ی مردمی و خاکی این دولت است؛ این هم خیلی باارزش است؛ این را قدر بدانید. شما امتیازتان به تشخیص ظاهری و شکل و قیافه نیست؛ امتیازتان به همین است که خودتان را با مردم هم‌سطح کنید، به شکل مردم و در میان مردم باشید، با مردم تماس بگیرید، با آنها انس پیدا کنید، از آنها بشنویید. این امتیاز بزرگی است و در شما هست؛ آن را حفظ کنید و نگه دارید.

دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب / ۱۳۸۷/۰۶/۰۷

رهبر انقلاب اسلامی در تبیین شاخص‌های اصلی انقلاب اسلامی تأکید کردند: عدالت‌خواهی، استقلال و آزادی به معنای حقیقی کلمه، استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل دشمن، مردم‌گرایی، مستضعف‌نوازی و گرایش به طبقات محروم و پرهیز از اسراف و زندگی اشرافی‌گری جزو مبانی انقلاب اسلامی هستند که به‌هیچ‌وجه نباید تغییر کنند.

دیدار آقای مورالس رئیس‌جمهور بولیوی و هیات همراه با رهبر انقلاب / ۱۳۸۷/۰۶/۱۱

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عصر امروز در دیدار آقای اوو (EVO) مورالس -رئیس‌جمهور بولیوی- و هیات همراه با اشاره به رای مجدد و قوی‌تر مردم بولیوی به آقای مورالس در همه‌پرسی اخیر، خطاب به وی خاطر نشان کردند: روحیه‌ی مردمی شما و توجه به طبقات محروم و فقیر و تلاش برای خدمت به مردم، روحیه‌ی بسیار ارزشمندی است و همین روحیه می‌تواند موجب سرافرازی ملت‌ها شود.

بیانات در دیدار روسای سه قوه و مسئولان نظام / ۱۳۸۷/۰۶/۱۹

مردم، پایبند اسلامند. در کنار مردماری، در کنار مردمی بودن، برای مردم دل سوزاندن، برای مردم کار کردن، به آرا مردم اهمیت گذاشتن، به احساسات و عواطف مردم اهمیت دادن؛ این است مردمی بودن. وقتی مردم ببینند شما که مسئول جمهوری اسلامی هستید، افتخار میکنید، اعتزاز میکنید به مسلمانان خودتان، به ضد استکباری بودن خودتان، به ضد استبدادی بودن خودتان و از طرفی افتخار و اعتزاز میکنید به خدمتگزاری مردم؛ با مردم هستید، با مردم انس پیدا میکنید، به مردم محبت میکنید، از مردم کمک میخواهید در مسائل گوناگون، خوب، مردم خرسند میشوند؛ مردم این مسئول را دوست میدارند؛ خوششان می‌آید.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۲

اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزوا انداختیم، اگر مردمی بودن مسئولان کشور را دست‌کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله‌ی خدمت و فداکاری

برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده‌ی مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبیهای دشمن فراموش شود، اگر رودرپایستیها، ضعفهای شخصی، ضعفهای شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخشهای اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمیکند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس شورا؛ مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهایی کاری صورت نمیدهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب، به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۳

اجتناب از اشرافی‌گری؛ یعنی ضد ارزش کردن. در انقلاب ما این نکته وجود داشت؛ این را بتدریج بعضیها سعی کردند کم‌رنگ کنند. این در مسائل اقتصادی ما اثر دارد، در مسائل روانی ما اثر دارد. اشرافی‌گری و گرایش به اشرافی‌گری، یک ضد ارزش بود در انقلاب. یعنی افرادی در سطوح مختلف بودند که از اینکه به اشرافی‌گری نسبت داده شوند، یا از آنها چیزی دیده شود که جزو خصوصیات اشرافی‌گری باشد، بشدت اجتناب میکردند. مسئولین کشور در درجه‌ی اول متعهد به این قضیه هستند و باید باشند. این تدریجاً ضعیف شد. امروز خوشبختانه همان موج ضد ارزش کردن اشرافی‌گری، بحمدالله وجود دارد؛ یعنی دولت، مسئولین دولتی ساده‌زیستند، مردمی هستند و این خیلی فرصت خوبی است؛ نعمت بزرگی است.

بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج / ۱۳۸۸/۰۲/۲۳

یکی از اساسی‌ترین کارها برای اینکه ما جلوی اسراف را بگیریم این است که مسئولین کشور، خودشان، کسانشان، نزدیکانشان و وابستگانشان، اهل اسراف و اهل اشرافی‌گری نباشند. چطور میتوانیم اگر خودمان اهل اسراف باشیم، به مردم بگوئیم اسراف نکنید؛ «ا تاملون الناس بالبر و تنسون انفسکم»؛ «با ایها الذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون. کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون». اولین کار این است که ما مسئولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ برسید؛ و به آنچه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت اقدام کنید؛ با قصد قربت پای صندوق انتخابات بروید و خدای متعال اجر خواهد داد. این هم یک نکته.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه / ۱۳۸۸/۰۲/۰۷

تجربه‌های سی ساله‌ی ما، ملت را آگاه کرده است. اینها میدانند. اینها همان دولتها و حکومت‌هایی هستند که هشت سال در دوران دفاع مقدس که علیه این ملت جنایت شد، شهرها بیماران شد، خانه‌ها ویران شد، بمبهای شیمیایی زدند، انسانهای بیگناه را کشتند، نه فقط دلشان برای ملت ایران نسوخت، بلکه به دشمن ملت ایران کمک هم کردند. مردم ما این را دیده‌اند. اینها که فراموش‌شدنی نیست. حالا شده‌اند دلسوز! مردم رفتار اینها را با ملت‌های مظلومی که پنجه‌ی اینها در آنها جاگیر شده است، میبینند؛ مثل ملت افغانستان، مثل ملت عراق، مثل پاکستان، مثل ملت فلسطین. هر جا اینها پنجه‌شان جاگیر شد، ناخشان بند شد، هرچه توانستند، ضربه زدند. اینها به مردم رحم نمیکنند؛ مردم‌دوستی، دور از جناب آنهاست. حالا نسبت به ملت ایران، نسبت به کسی یا کسانی در داخل کشور، طرفدار شده‌اند! خب معلوم است که این غرض و مرض آنها از این کارها چیست. این را مردم میفهمند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۸/۰۷/۰۲

جمهوری اسلامی - که از انقلاب اسلامی برخاسته است - یک واحدی است که داری دو بعد است؛ اسلامی بودن و مردمی بودن؛ هم اسلامی است، هم مردمی است. و مردمی است، چون اسلامی است؛ چون اسلام دین جامعه است. دین مسئولیت همگانی است؛ اسلام دین تک تک افراد و اشخاص به حیت خودشان فقط نیست؛ آن هم هست، اما افراد به حیت اجتماعشان هم مورد خطاب اسلامند. اسلام یک دین مردمی است؛ یک دین مسئولیت عمومی است؛ بنابراین مردمی بودن از خود اسلامی بودن برمی‌آید. اسلامی هم هست؛ چون خدای متعال منت گذاشته است؛ «بل الله یمن علیکم ان هداکم للایمان»؛ منت گذاشته بر ما، هدایت کرده ما را به این ایمان؛ پروردگار به مردم ما، به خود ما منت گذاشته، ما را به این دین هدایت کرده؛ لذا جمهور ما اسلام را میخواهند و این دین الهی را بحمدالله خدای متعال به ما داده است. بنابراین «جمهوری اسلامی» است؛ یک منظومه است، یک مجموعه است، یا بگوئیم واحد دارای ابعاد است که این ابعاد باید با همدیگر مورد ملاحظه قرار بگیرد و با هم باشد؛ این درهم‌تنیدگی باید حفظ بشود. هر کدام از این جهات تضعیف بشود، کل و مجموعه تضعیف شده است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم / ۱۳۸۹/۰۷/۲۷

درس بزرگ امام عزیز ما به ما و به همه‌ی ملت همین بود؛ به نیروی خودتان ایمان داشته باشید، در افزایش این نیرو به صورت روزافزون تلاش کنید و به خدای متعال و وعده‌ی الهی اطمینان داشته باشید؛ اگر ایستادگی کردید و با تدبیر حرکت کردید، مطمئن باشید که نصرت الهی با شما همراه است. این، خصوصیت دیندار بودن مردم و دینی بودن این انقلاب و نظام اسلامی است. مردمی بودن، یعنی این انقلاب از سوی مردم وفادارانه مورد حمایت قرار بگیرد؛ نظام اسلامی از سوی مردم مورد تایید و حمایت و پشتیبانی کامل قرار بگیرد. این هم در طول این مدت تأمین بوده است. اگر حضور مردم نبود، اگر فاصله‌ی بین مردم و نظام ایجاد میشد، نظام نمیتوانست در مقابل دشمنان مقاومتی بکند. این حضور مستحکم مردم است که پشتیبانی ایستادگی مسئولان است.

بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۲

شاخص عمده در حرکت مردمی این کشورها سه چیز است؛ یکی اسلامی بودن، یکی ضد آمریکا و صهیونیست بودن، و یکی مردمی بودن. این شاخص در همه‌ی این کشورها مشترک است. ملت مصر که یک ملت شاخص در دنیای عرب و دنیای اسلام است، ملتی است که این نهضت را به راه انداخته است، این انقلاب را در کشور خودش به وجود آورده است، هم اسلامی است، هم مردمی است، هم صریحاً ضد آمریکا و ضد صهیونیستی است. بقیه‌ی کشورها هم همین جور. موضع ما در مقابل این حرکت‌های مردمی روشن است؛ هر جا حرکت اسلامی است، مردمی است، ضد آمریکائی است، ما با این حرکت همراهیم؛ اما اگر در جایی ببینیم با تحریک آمریکائی‌ها، با تحریک صهیونیست‌ها، یک حرکتی به راه افتاده است، با آن حرکت همراهی نمیکنیم. ما با حرکت‌های ضد آمریکائی و ضد صهیونیستی همراهیم. آنجائی که خود آمریکا و خود صهیونیست‌ها وارد میدان میشوند تا یک رژیم را ساقط کنند، یا یک کشوری را اشغال کنند، آنجا ما نقطه‌ی مقابل حرکت آمریکائی‌ها قرار میگیریم. آمریکا نمیتواند به نفع ملت‌های این منطقه فکری بکند و کاری بکند؛ هر کاری میکنند و هر کاری تا امروز کردند، بر علیه ملت‌های این منطقه بوده است. این موضع ماست.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۰/۰۵/۱۹

انقلاب اول، انقلاب مهمتر و موثرتری بود که در سال ۱۷۸۹ - برای اینکه یادتان بماند: هزار، بعد هفت، هشت، نه! این، سال انقلاب کبیر فرانسه است - علیه

حکومت سلطنتی فرانسه به وقوع پیوست؛ یعنی همین کاری که در ایران انجام گرفت. البته آن خانواده‌ی سلطنتی که آن وقت در فرانسه حکومت میکردند، خیلی ریشه‌دارتر و مقتدرتر بودند از این خانواده‌ی پیزی پهلوی ما! خانواده‌ی بوربن‌ها بودند، چند صد سال بود که اینها بر فرانسه حکومت میکردند، در میانشان پادشاهان بسیار مقتدری از همین سلسله وجود داشتند. این انقلاب در این سالی که گفتم - ۱۷۸۹ میلادی - اتفاق افتاد. خب، انقلاب، یک انقلاب مردمی به تمام معنا بود؛ یعنی واقعا مردم حضور داشتند - مثل انقلاب خود ما - رهبران هم رهبران صددرصد مردمی و دارای افکار نو و به دنبال ایجاد یک جامعه‌ی مردمی. البته آنچه که مورد نظرشان بود، ایدئولوژیک نبود، اعتقادی نبود؛ اما میخواستند یک حکومت مردمی داشته باشند. خب، این انقلاب در این سال اتفاق افتاد. به فاصله‌ی سه چهار سال، آن گروه اولی که انقلاب را انجام داده بودند، به وسیله‌ی گروه تندرو افراطی شدید کنار زده شدند؛ بعضیشان اعدام شدند و این گروه افراطی سر کار آمدند. چهار پنج سال این گروه افراطی سر کار بودند؛ بعد بر اثر شدت عملی که با مردم به خرج میدادند، از طرف مردم مورد عکس‌العمل قرار گرفتند و کنار زده شدند. عده‌ای از آنها اعدام شدند و یک گروه سومی سر کار آمدند. یعنی در ظرف حدود یازده، دوازده سال - تا سال ۱۸۰۰ - سه گروه سر کار آمدند که هر کدام آن گروه قبلی خودشان را قلع و قمع و نابود کردند. در همین ده یازده سال اول، شخصیت‌های معروف سیاسی‌ای از گروه‌های انقلابی اعدام شدند. بعد هم این هرج و مرجی که به وجود آمد - در یک کشوری با این خصوصیات، بدیهی است که هرج و مرج به وجود می‌آید - مردم را خسته کرد؛ تا اینکه یک گروه سه نفره تشکیل شد، که ناپلئون جزو این گروه سه نفره بود؛ یک افسر جوانی بود که فتوحاتی هم در مصر کرده بود - که حالا داستانهایش فراوان و مفصل است - عنوانی پیدا کرد و آمد بر این گروه سه نفره حاکم شد و بعد هم پادشاه و امپراتور شد. همین کشوری که با آن همه خسارت، پادشاهی را کنار گذاشته بود و لونی شانزدهم و زنش را اعدام کرده بود، دوباره تبدیل شد به پادشاهی و روی کار آمدن ناپلئون. البته ناپلئون شخصیت نظامی مقتدر فعالی بود و برای فرانسه هم کارهای بزرگی انجام داد. او کارهای غیر نظامی هم دارد، منتها عمدتا کارهای او نظامی است. چند تا از کشورهای اروپائی را به فرانسه ملحق کرد؛ ایتالیا را، اسپانیا را، سوئیس را جزو فرانسه کرد. چند تا کشور اروپائی به وسیله‌ی او فتح شدند و جزو فرانسه شدند؛ که البته بعد از رفتن ناپلئون، یکی یکی از فرانسه جدا شدند؛ یعنی این فتوحات، ناپایدار بود. اما کشوری که با آن همه خسارت انقلاب کرده بود، به حکومت مردمی رسیده بود، به آسانی دوباره تبدیل شد به حکومت پادشاهی. بعد از تعین و مرگ ناپلئون - یعنی حدود ۱۸۱۵ - تقریبا حدود پنجاه سال حکومت پادشاهی در فرانسه استقرار داشت؛ البته با تحولات بسیار سخت و رقتبار و مرارتبار؛ که شما اگر رمانهای قرن نوزده فرانسه را بخوانید، کاملا نشانه‌ی این انقلابها و این مرارتها و این محنتها و این تلخیا برای مردم فرانسه را در این کتابها خواهید دید؛ از جمله کتابهای ویکتور هوگو و بالزاک و دیگران.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۰/۰۵/۱۹

در شوروی هم یک جور دیگر اتفاق افتاد. در شوروی هدفهایی که ترسیم شده بود - که هدفهای آن، عقیدتی و ایدئولوژیک بود - تحقق پیدا نکرد. اصلا ادعا شده بود که حکومت شوروی یک حکومت مردمی است، حکومت توده‌ای است، سوسیالیست است؛ حکومت توده‌ای مردمی متکی به حرکت مردم و متعهد به نیازهای مردم؛ این از همان سالهای اول نقض شد. بعد از ۱۹۱۷ که سال انقلاب شوروی است، پنج شش سالی که گذشته بود، راه عوض شد؛ مردم از محاسبات دولت به معنای حقیقی کلمه حذف شدند؛ یک حزب کمونیست با چند میلیون عضو حاکم شد و در حزب کمونیست هم حاکم، همان چند نفری بودند که در هر دوره‌ای در راس بودند. حالا در دوره‌ای مثل دوره‌ی استالین، حاکم یک نفر بیشتر نبود؛ اما در دوره‌های بعد، آن هیئت اصلی حزب کمونیست، همه‌کاره‌ی کشور بودند. چه فشارهایی به مردم وارد آمد، چه محدودیتهائی ایجاد شد، مردم چه محنتی کشیدند. در آن دوره‌ها نوشته‌هایی از درون شوروی درز میکرد، بیرون میرفت؛ بعضی‌ها هم به فارسی ترجمه میشد، ما هم مطالعه میکردیم. تا قبل از سقوط شوروی، خیلی از این زوایای دشوار و تلخ پنهان بود؛ بعد از سقوط شوروی بود که خیلی چیزها معلوم شد، که چه کارهایی میکردند، چه محدودیتهائی بوده. ادبیاتی که آفریده شد، نشان‌دهنده‌ی سختی زندگی مردم در دوران حکومت شوروی بوده. یعنی انقلاب بکل از اول زاویه پیدا کرد؛ نه اینکه استمرار پیدا نکرد، اصلا به وعده‌های اولیه عمل نشد.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۰/۰۵/۱۹

انقلاب اسلامی یک استثنا است. انقلاب اسلامی حرکتی بود که با اهداف مشخصی - ولو آن اهداف که مشخص هم بود، در یک جاهانی کلی بود؛ بتدریج خرد شد، روشن شد، مصادیقش معلوم شد؛ اما اهداف، اهداف روشنی بود - به وجود آمد. هدف اسلام‌خواهی، هدف استکبارستیزی، هدف حفظ استقلال کشور، هدف کرامت‌بخشی به انسان، هدف دفاع از مظلوم، هدف پیشرفت و اعتلای علمی و فنی و اقتصادی کشور؛ اینها اهداف انقلاب بوده. انسان وقتی در فرمایشات امام (رضوان الله علیه) و در اسناد اصلی انقلاب اینها را نگاه میکند، میبیند که همه‌ی اینها در متون اسلامی هم ریشه دارد. مردمی بودن، متکی به ایمان مردم، عقاید مردم و انگیزه‌های مردمی و عواطف مردمی، جزو پایه‌های اصلی انقلاب است. این خط ادامه پیدا کرده؛ این خط انحراف پیدا نکرده، این خط زاویه نخورده. امروز سی و دو سال از انقلاب میگذرد؛ این خیلی حادثه‌ی مهمی است.

بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی / ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

بیشک این حقیقت که انقلابهای منطقه متکی به این اصول و خواستار تحقق آنها است، مورد پسند آمریکا و غرب و صهیونیسم نیست و آنها همه‌ی تلاش خود را به کار میبرند تا آن را انکار کنند، ولی واقعیت با انکار آن دگرگون نمیشود. مردمی بودن این انقلابها مهمترین عنصر در تشکیل هویت آنها است. قدرتهای خارجی که با آخرین توانائیها و شگردهای خود سعی میکردند حکام مستبد و فاسد و وابسته را در این کشورها حفظ کنند و تنها هنگامی از حمایت آنها دست برداشتند که قیام و عزم مردم، هیچگونه امید برای آنها باقی نگذاشت، حق ندارند خود را در پیروزی این انقلابها سهیم بدانند. در جانی مانند لیبی هم، ورود و دخالت آمریکا و ناتو نمیتواند حقیقت را مشوب کند. در لیبی، ناتو ضایعه‌های بیجبران آفریده است. اگر دخالت نظامی ناتو و آمریکا نبود، ممکن بود مردم اندکی دیرتر پیروز شوند، ولی در عوض این همه زیرساخت نابود نمیشد؛ این همه نفوس بیگناه از زنان و کودکان کشته نمیشدند و آنگاه دشمنانی که خود سالها همراه و همدست قذافی بوده‌اند، مدعی حق دخالت در این کشور مظلوم و جنگ‌زده، نمیشدند. مردم و نخبگان مردمی و کسانی که از مردم برآمده‌اند، خود صاحبان این انقلابها و متعهد به حراست از آن و ترسیم‌کننده‌ی مسیر آینده و رو به تکامل آن میباشند و خواهند بود ان‌شاءالله.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت یکصدمین سالگرد رحلت آیت‌الله العظمی آقاجانی / ۱۳۹۰/۰۷/۰۲

حضور روحانیت - با خصوصیتی که روحانیت شیعه دارد، حالا آن که ما در بین خودمان در تاریخ دیده‌ایم - در مسائل اجتماعی، به طور طبیعی معنا و هویت خاصی میدهد به آن مسائل اجتماعی. وقتی که عالم شیعی در حوادث بزرگ اجتماعی حضور دارد، این طبعاً اسلامیت درش هست، مقابله‌ی با هر دستگاه ظلم و استعمار و استکبار - اعم از استعمار خارجی یا استبداد داخلی - درش هست، مردمی بودن قهرا درش هست، امتداد داشتن در متن مردم و در خود روحانیت درش هست.

بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

ما برای نظام مطلوب خودمان، اسم جدید میگذاریم؛ میگوئیم مردم‌سالاری اسلامی، یا جمهوری اسلامی؛ یعنی نام جدید انتخاب میکنیم. یا برای تقسیم درست ثروت و استفاده‌ی همگان از ثروتهای عمومی، که یکی از اهداف والا و اساسی اسلام است، از واژه‌ی «سوسیالیسم» استفاده نمیکیم. با اینکه سوسیالیسم هم از لحاظ معنای لغوی ناظر به همین معناست، لیکن با یک مفاهیم دیگری همراه است که ما از آن مفاهیم بیزاریم؛ با یک واقعیت‌هایی در تاریخ و در جامعه همراه

شده که ما آنها را قبول نداریم. لذا ما به جای استعمالات و اصطلاحاتی که بین چپ‌روها و مارکسیست‌ها و اینها معروف بود، اصطلاح «استکبار» را، اصطلاح «استضعاف» را، اصطلاح «مردمی بودن» را مطرح کردیم و آوردیم. ما آوردیم، یعنی انقلاب آورد، نه اینکه اشخاص خاصی در این زمینه تاثیر حتمی و فاطعی داشته باشند.

بیانات در اجتماع مردم کنگاور / ۱۳۹۰/۰۷/۲۷

کمبودها هست. مسئله‌ی اشتغال - که امام جمعه‌ی محترم اشاره کردند - مطلب کاملاً درستی است؛ فقط مربوط به این شهر هم نیست؛ مربوط به سرتاسر استان است. مشکل بزرگ این استان، مسئله‌ی اشتغال است؛ که با مسئولین در میان گذاشته شده است، ان‌شاءالله بعد از این بیشتر و موکدر هم مطرح خواهد شد، تا بتوانند راه‌های درست و صحیحی را برای رفع این مشکل جستجو و پیدا کنند و مشکل را برطرف کنند. اما این استعداد مردمی، این روحیه‌ی مردمی، این آمادگی به کار، این شور و شوق، این وفاداری به انقلاب، اینها خصوصیات مزدهنده‌ای است. کشور، انقلاب و نظام، با این خصوصیات است که توانسته است تا امروز مراحل بسیار دشواری را پشت سر بگذارد و پیش برود.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۹۰/۰۸/۱۴

مهمترین خطر، دخالت و تاثیرگذاری جبهه‌ی کفر و استکبار در ساخت نظام جدید سیاسی در این کشورها است. آنان همه‌ی کوشش خود را به کار خواهند برد تا نظام‌های جدید، هویت اسلامی و مردمی نیابد. همه‌ی دلسوزان در این کشورها و همه‌ی آنان که به عزت و کرامت و پیشرفت کشور خود دلبسته‌اند، باید تلاش کنند تا اسلامیت و مردمی بودن نظام نوین، به تمام و کمال تامین شود. نقش قانون اساسی‌ها در این میان، برجسته است. اتحاد ملی و به رسمیت شناختن دگرسانی‌های مذهبی، قبیله‌ای و نژادی، شرط پیروزی‌های آینده است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

آمریکانیها میخواستند عراق را مستقیماً خودشان اداره کنند، نتوانستند - ملت عراق ایستاد و نگذاشت - خواستند دولتی دست‌نشانده بیاورند، نتوانستند؛ خواستند با کاپیتولاسیون بمانند، دولت و ملت عراق اجازه ندادند. امروز دولت عراق یک دولت مردمی است، ملت عراق یک ملت زنده و بیدار است؛ و همین موجب شد که آمریکانیها بدون هیچ دستاوردی، آنچه که میخواستند، نشد، از عراق خارج بشوند. البته دخالت‌های نفتی دارند، دخالت‌های امنیتی دارند؛ که لابد ملت و دولت عراق ان‌شاءالله در آینده برای آن هم فکری خواهند کرد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

تعریفها باید بازخوانی و اصلاح شوند. دو الگوی «اسلام تکفیری» و «اسلام لائیک» از سوی غرب به شما پیشنهاد شده و خواهد شد تا الگوی «اسلام اصولگرایی معتدل و عقلانی» در میان انقلابیهای منطقه تقویت نشود. کلمات را دوباره و بدقت تعریف کنید. «دموکرات بودن» اگر به معنای مردمی بودن و انتخابات آزاد در چارچوب اصول انقلابیاست، همه دموکرات باشید؛ و اگر به معنای افتادن به دام لیبرال دموکراسی درجه‌ی دوم و تقلیدی باشد، هیچ یک دموکرات نباشید.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

وقتی ما مثلاً خاطره‌ی نوزدهم بهمن را مرور میکنیم، یک درسی از این حادثه فرا میگیریم؛ آن درس، درس اقدام، ابتکار، ایستادگی، کار بهنگام و تاثیر آن در حرکت جامعه و کشور است؛ این یک عبرت شد. درست است که بدنه‌ی ارتش دوران قبل از انقلاب، بدنه‌ی طاغوتی نبود؛ سران طاغوتی بودند، بدنه جزو ملت بودند؛ این چیز روشنی است، برای ما از اول روشن بود، برای مردم هم در طول سالهای متممادی واضح و روشن شد؛ لیکن بروز این مردمی بودن، نقش‌آفرینی در عرصه‌ی حرکت مردمی، یک چیز دیگر است. این نمیشد، مگر آن وقتی که از درون ارتش یک حرکتی که برجسته باشد، چشم‌نواز باشد، چشمگیر باشد، به وقوع بپیوندد؛ و نوزده بهمن این کار را انجام داد.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

امروز ملت ایران جزو پیشروان این حرکت است. جامعه‌سازی میکنیم، نظام‌سازی میکنیم، حرکت عمومی و مردمی داریم. سی و سه سال از انقلاب میگذرد. در هیچ جای دنیا جشن یادبود و سالگرد انقلاب، اینجور مردمی نیست. این تنها انقلاب ماست که در هر بیست و دوی بهمنی، جشن را مردم میگیرند. در سرتاسر کشور میلیونها انسان به خیابانها میآیند، تظاهرات میکنند، شعار میدهند؛ این در هیچ انقلابی وجود نداشته. انقلابیهای بزرگی بوده؛ بعضی از اینها را ما در زمان خودمان شاهد قضایایش بودیم، بعضیها را هم در تاریخ خواندیم؛ سالگرد انقلابها بیایند، چند نفر آنجا بایستند، یک گروهی هم جلوشان رژه برونند، سلام نظامی بدهند. سالگرد انقلابها اینجوری برگزار میشد. یک جشنی بگیرند، یک عده‌ای دعوت بشوند، بخورند و بنوشند. برگزاری سالگرد انقلاب به وسیله‌ی خود مردم، مخصوص انقلاب اسلامی است. بیست و دوی بهمن هر سال، در آن سرماهای گوناگون، گاهی برف، گاهی یخبندان، گاهی هوای سرد سوزنده، مردم آمدند توی میدان؛ امسال هم به توفیق الهی، با هدایت الهی، با دست قدرت الهی، خواهید دید که باز مردم به میدان میآیند. این حرکت، حرکت مردمی است؛ و این به توفیق الهی ادامه دارد. حرکت عمومی است در کشور، و نیروهای مسلح یک بخش عمده‌ای از این حرکت مردمی را برعهده دارند.

بیانات در دیدار مداخلان المپیک و بارالمپیک / ۱۳۹۱/۱۲/۳۱

شما که ورزشکارید، در درجه‌ی اول، و بعد مسئولین ورزشی و کسانی از مدیرتهای گوناگون که به این مسائل اهتمام دارند و این مسائل با آنها ارتباط پیدا میکند، باید به مسئله‌ی اخلاق در ورزش توجه کنند. مسئله‌ی اخلاق در ورزش خیلی مهم است. مغرور نشدن، مردمی ماندن، جوانمرد ماندن، با مردم بودن، برای مردم دل سوزاندن، خیلی مهم است. پیدا شدن این خصوصیات در انسان یک مسئله است، ماندن این خصوصیات در انسان مسئله‌ی مشکلتری است؛ اینها را انسان باید حفظ کند.

دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش و خانواده‌های آنان با رهبر انقلاب / ۱۳۹۲/۰۱/۲۸

فرمانده کل قوا در این دیدار در تشریح ویژگی‌های منحصربه‌فرد ارتش جمهوری اسلامی ایران، به مردمی‌بودن ارتش اشاره کردند و افزودند: در نظام جمهوری اسلامی ایران، ارتش به دلیل فداکاری و مجاهدت و نه به دلیل زورگویی و قدرت، مورد تکریم مردم و دارای پشتوانه‌ی مردمی است.

بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۲/۰۲/۱۴

در سیاست داخلی، اصول امام عبارت است از تکیه به رای مردم؛ تامین اتحاد و یکپارچگی ملت؛ مردمی بودن و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامداران؛ دلبسته بودن مسئولان به مصالح ملت؛ کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور. در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاست‌های مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملت‌های مسلمان؛ ارتباط برابر با همه‌ی کشورها، بجز کشورهایی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی میکنند؛

مبارزه با صهیونیسم؛ مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان.

بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۲/۰۳/۱۲

پانزدهم خرداد سال ۴۲ یک مقطع بسیار مهمی است. علت این است که در روز ۱۵ خرداد ۴۲ حادثه‌ای که اتفاق افتاد، پیوند مردم با روحانیت را در این سطح خطرناک و حساس نشان داد. در روز عاشورای آن سال - که روز سیزدهم خرداد بود - امام بزرگوار در مدرسه‌ی فیضیه یک سخنرانی تاریخی تعیین‌کننده‌ای کردند. بعد که امام را دستگیر کردند، در روز پانزدهم خرداد عمدتاً در تهران، همچنین در قم و در بعضی از شهرهای دیگر، یک موج حرکت عظیم مردمی به راه افتاد و رژیم طاغوت با همه وجود، با ارتش خود، با پلیس خود، با دستگاه‌های امنیتی خود، دست به سرکوب این حرکت مردمی زد. در پانزدهم خرداد یک قیام مردمی به وجود آمد. این نشان‌دهنده‌ی این بود که آحاد ملت ایران، با روحانیت، با مرجعیت - که مظهر آن، امام بزرگوار بود - یک چنین پیوند مستحکمی دارند. و نکته اینجاست که همین پیوند است که ضامن پیشرفت نهضت، اوج نهضت و پیروزی نهضت میشود. هر جا یک حرکتی، یک نهضتی به مردم متکی بود و مردم با آن همراه شدند، این نهضت قابل ادامه است؛ اما اگر مردم با یک حرکت اعتراضی پیوند نخوردند، ناکام خواهد ماند؛ کمالاتی که بعد از حادثه‌ی مشروطه در ایران قضایائی اتفاق افتاد، مبارزاتی شروع شد، هم از طرف گروه‌های چپ، هم از طرف گروه‌های ملی، اما همه‌ی اینها در طول تاریخ نهضت‌های ایران، سرنوشتشان شکست و ناکامی بود؛ چون مردم با اینها نبودند. وقتی مردم وارد میدان میشوند و پشتوانه‌ی یک نهضت، احساسات مردم، اندیشه‌ی مردم و حضور مردم میشود، آن نهضت قابل ادامه است و پیروزی برای آن نهضت رقم میخورد؛ حادثه‌ی پانزدهم خرداد این مطلب را نشان داد؛ نشان داد که مردم پشت سر روحانیتند. با دستگیری امام بزرگوار آنچنان قیامتی در تهران و در برخی از شهرستانهای دیگر به راه افتاد که دستگاه را وارد میدان کرد و سرکوب وحشیانه‌ای کردند؛ تعداد نامعلومی - بسیار زیاد - از مردم کشته شدند؛ خیابانهای تهران با خون بندگان خدا و مومنان و جوانان سلحشور این ملت، رنگین شد. در پانزدهم خرداد، چهره‌ی خشن دیکتاتور، چهره‌ی بیرحم رژیم طاغوت، کاملاً خود را نشان داد.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

روحیه مردمی بودن و انس با مردم، تماس با مردم، از نزدیک پای صحبت مردم نشستن؛ راه‌هایی باز کردن -خب ماها به حکم مسئولیت یک محصوربودن‌هایی داریم، یک محدودیت‌هایی داریم- که گذرگاهی باشد برای تماس با متن زندگی مردم. من به آقای رئیس‌جمهور هم چندبار تا حالا گفته‌ام که این سفرهای استانی خیلی چیز خوبی است، این یکی از آن کارهای بسیار مثبت است، به دولت‌های قبل هم همین سفارش را من همیشه میکردم؛ یکی از راه‌ها این است؛ رفتن به خانه‌ی مردم، رفتن منزل شهدا -که حالا الحمدلله این کار تا حدودی باب شده و کار خوبی است- راهی برای تماس‌های گوناگون مردم؛ اینها خیلی مهم است. این کارها روحیه مردمی بودن و شناخت مردم را در انسان حفظ میکند و نگه میدارد. وقتی این نباشد، انسان از حال جامعه غافل میشود و همیشه نگاهش به کلیات [است]؛ مثل کسی که با هواپیما دارد از روی یک شهری عبور میکند؛ بله، کلیت شهر را انسان بهتر از کسی که پایین است ببیند، اما [اینکه] داخل این کوچه‌ها، داخل این خیابانها چه خبر است، داخل خانه‌ها چه خبر است، در مغازه‌ها چه [خبر] است، مراجعه‌کنندگان چه کسانی هستند، اینها را آن کسی میفهمد که برود در این کوچه‌ها راه برود؛ حالا همان مقدار محدودی که ممکن هست؛ مردمی بودن خیلی مهم است.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۴/۰۶/۱۲

دو انتخابات مهم در این مجلس انجام میگردد؛ یکی انتخاب به‌وسیله مردم که معتمدین خودشان را معین میکنند و انتخاب میکنند که این معتمدین عمده کارشان هم انتخابی است که بعداً آنها خواهند کرد؛ انتخاب دوم، [یعنی] انتخاب رهبری. دو انتخاب در اینجا وجود دارد؛ یعنی مجلس خبرگان مظهر حضور مردم و مظهر مردمی‌بودن و دخالت آرا مردم و سلیق مردم است؛ هیچ نهاد دیگری را ما به این شکل نداریم که دو انتخاب در دل آن وجود داشته باشد که نشان‌دهنده‌ی اراده‌ها و نیت‌های مستقل باشد.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش / ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

این حرکت روز نوزدهم بهمن سال ۵۷ از سوی نیروی هوایی، بلافاصله از سوی مردم پاسخ داده شد. این هم یک درس است؛ یعنی شب بیست‌ویکم و بیست‌ودوم بهمن، وقتی که مقر نیروی هوایی از طرف لشکر گارد مورد تهدید قرار گرفت -حمله کردند؛ قصدشان هم این بود که نیروی هوایی به تعبیر آنها متهم را تنبیه کنند- اینجا مردم به کمک نیروی هوایی شتافتند. ببینید، فوراً عکس‌العمل نشان داده میشود؛ یعنی با مردم بودن، در خدمت مردم بودن، پیوسته به مردم بودن یک مجموعه‌ی نظامی، فوراً جواب میدهد؛ یعنی مردم پشتیبان میشوند. خیلی فرق میکند که یک مجموعه‌ی نظامی متکی به مردم باشد یا نباشد؛ این خیلی تفاوت دارد. آنجا نتیجه‌ی آن حرکت را بلافاصله دریافت کردند.

بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۵/۰۳/۱۲

برای انقلابی بودن شاخصهایی وجود دارد.

...

یکی دیگر از میانی، محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه میکنیم، ترکیب آن میشود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدفها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است؛ رای مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن میانی است و به‌معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۵/۰۶/۰۲

تجلیل و تکریم میکنم یاد شهیدان عزیزمان رجائی و باهنر را که همانطور که ایشان اشاره کردند، این دو نفر واقعا الگو بودند؛ از جهات مختلف، از جهت اخلاص، از جهت پرکاری، البته فرصتی نشد برایشان که چند سالی ادامه بدهند، لکن سالی که نکوست از بهارش پیدا است، نوع کاری که اینها میکردند -مخصوصاً مرحوم رجائی که خب مدت بیشتری هم بودند- نشان میداد که [کار] همین‌جور پیش خواهد رفت؛ اخلاص و علاقه و مردمی‌بودن و تلاش فراوان و [مانند اینها].

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

مردم‌سالاری جامع را دیکتاتوری [میگویند]؛ یعنی واقعا الان به نظر من -یعنی با آشنایی‌ای که حالا من دارم- در دنیا امروز هیچ مردم‌سالاری‌ای مثل مردم‌سالاری ما واقعی نیست. ارتباط مسئولان کشور با مردم، انسیشان با مردم، انتخابشان به‌وسیله مردم از همه‌جای دنیا واقعی‌تر است؛ تا آن حدی که من اطلاع دارم. این را الان در کارهای تبلیغی مسلم دائمی دشمن به‌صورت یک دیکتاتوری جلوه میدهند که این خب کار آنها است؛ این‌جور وانمود میکنند. بنابراین اینها کارهایی است که موانع بیرونی است که دشمنان ما ممکن است انجام بدهند.

گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت / ۱۳۹۷/۰۲/۲۲

با مردم باید حرف بزنید. حرف زدن با مردم به صورت روبرو و رودرو، با مردم حرف بزنید مسائل را به مردم بگویید، بگویید که دشمن می‌خواهد از رخنه‌ی اقتصادی استفاده کند، این را صریح به مردم بگویید، بگویید البته ما مشکلات اقتصادی داریم دشمن می‌خواهد از این استفاده کند، ما نخواهیم گذاشت و به کمک شما احتیاج داریم. به مردم گفته بشود ما نمی‌گذاریم دشمن از این رخنه وارد بشود و استفاده نکند و ضربه بزند به کشور اما به کمک شما احتیاج داریم این را بگویید، بگویید ما با همه‌ی قدرت می‌ایستیم...

... حالا مثلا فرض کنید شما می‌روید فلان کارخانه را افتتاح میکنید، این کافی نیست. اینی که شما بروید فرض کنید حالا فلان کارخانه را در فلان نقطه‌ی کشور، یک نواری را مثلا قیچی کنید این کافی نیست. اگر چنانچه واقعا یک کار خوب و کارستانی انجام گرفته به‌عنوان این کارخانه بروید در دل کار، مردم ببینند و این را منعکس بکنند. بروید با کارگر تماس بگیرید، بروید پای کوره، بروید نمیدانم محصول را تماشا کنید، بروید جاهای، انبارها را ببینید، بروید با کارگرها، مجموع کارگرها حرف بزنید، وارد کار بشوید. این اگر شد، مردم می‌بینند بله، دارد کار انجام می‌گیرد... جزئی وارد کار بشوید. اینی که حالا به شکل خیلی رسمی و با تفتن و با فلان وارد بشود انسان یک جایی و بعد راهنمایی کنند ما را برویم با قیچی برداریم ما این نوار را مثلا فرض کنید، این دل مردم را شاد نمیکند. مردم افتتاح‌های چندگانه کم ندیدند، شماها خودتان هم یادتان است بعضی‌تان آن زمان وزیر هم بودید، چند بار یک کاری افتتاح شد. یک کاری افتتاح شده در حالیکه آماده نبوده. اینها را که عرض میکنم، اینها چیزهایی است که ما خوب یادمان است دیگر، اینها چیزهایی است که اطلاع داریم، شایعات و اینها نیست، زمان خود ما اتفاق افتاده؛ از اینها مردم دیدند لذا این افتتاح کردن و اینها کافی نیست. باید اگر چنانچه واقعا کاری دارد انجام می‌گیرد در کشور که انجام می‌گیرد، انصافا کارهای خوبی هم دارد میشود، اینها را برای مردم درست روشن کنید، تشریح کنید.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت / ۱۳۹۷/۰۴/۰۷

آنچه ما به‌عنوان دولت اسلامی و حکومت اسلامی بایستی به‌طور دائم در نظر داشته باشیم این است که باید حکومت علوی را معیار خودمان قرار بدهیم، خودمان را با حکومت علوی بسنجیم؛ هر مقداری که بین ما و آن حکومت فاصله است، آن را عقب‌ماندگی به‌حساب بیاوریم. اگر چنانچه کارهای خوب انجام میدهم، از لحاظ معنوی پیشرفت میکنیم یا کارهایی که مایه‌ی افتخار به‌حسب ارزشهای اسلامی است انجام میدهم، مبالغه نکنیم در اهمیت آن؛ مقایسه کنیم با حکومت علوی و ببینیم چقدر فاصله است بین ما و او. شاخص عمده در حکومت علوی، یکی عدالت است، یکی پارسایی و پاک‌دامنی است، یکی مردمی بودن و با مردم بودن است؛ حکومت علوی اینها است دیگر؛ زندگی امیرالمومنین مظهر عدل است، مظهر زهد است، مظهر مردمی بودن و پاک زیستن است. باید اینها را معیار قرار بدهیم، واقعا باید در این جهت حرکت کنیم.

بیانات: شرح حدیث اخلاق | درباره ویژگی‌های نزدیک‌ترین افراد به پیامبر در روز قیامت / ۱۳۹۷/۰۸/۲۸

عن جعفر بن محمد علیهما السلام عن ابیه عن جده علیهم السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اقریکم غدا منی فی الموقف اصدقکم للحدیث و اداکم للامانه و اوفاکم بالعهد و احسنکم خلقا و اقریکم من الناس. (۱)

اقریکم غدا منی فی الموقف اصدقکم للحدیث

در موقف قیامت همه‌ی سختی‌ها و وحشتها و ترسها و احوال گوناگون برای انسان وجود دارد، و فرقی هم نیست بین مومن و غیر مومن؛ یوم یفر المر من اخیه * و امه؛ وایه * و صاحبته؛ و بنیه * لکل امرئ منهم یومئذ شان یغنیه؛ (۲) یک چنین روزی است روز قیامت، که در آیات کریمه‌ی قرآن، بخصوص در سوره‌های اواخر قرآن خیلی زیاد به احوال و احوال در قیامت پرداخته شده. خوب در یک چنین معرکه‌ی سختی که اهمیت و سختی آن موقوف اصلا برای ما قابل تصور نیست، انسان دنبال یک مرجع امنی میگردد؛ یک جایی که به آن پناه ببرد، به آن تکیه کند، در زیر سایه‌ی آن باشد. آن کسی و آن جایگاهی که از همه‌ی اشخاص و جایگاه‌ها در قیامت امنیت بیشتری به انسان میدهد، جایگاه پیغمبر اکرم است. اگر کسی بتواند خودش را نزدیک آن بزرگوار برساند، اطمینان خاطر پیدا میکند، احساس یک امنیتی میکند؛ مثل دنیا دیگر؛ وضع دنیا را ملاحظه کنید؛ اگر چنانچه در جایی که سختی هست، مشکل هست، تهاجم هست، دزدی هست، زحمت هست، یک نفر انسانی که آنجا در معرض همه‌ی اینها قرار گرفته، بخواهد خودش را امنیت بدهد، یک کسی را پیدا میکند، یک شخصیتی را پیدا میکند که قوی باشد، مستحکم باشد و فورا می‌رود نزدیک او می‌ایستد. در قیامت هر کسی بتواند نزدیک نبی مکرم اسلام قرار بگیرد، دیگر آنجا یک احساس امنیتی دارد. خوب، چه کسی میتواند برود آن نزدیک؟ خلدیق جن و انس از اولین و آخرین که در آنجا جمعند، همه مایلند که خودشان را برسانند به این بزرگوار؛ می‌بینند مقام و مرتبه‌ی او را، می‌بینند مقامی دارد که «بیطه به الاولون و الاخرین»، (۳) آن را می‌بینند و میخواهند، [اما] میتوانند؟ نه، همه نمیتوانند. این روایت میگوید وسیله‌ای که شما بتوانید با آن، خودتان را نزدیک پیغمبر بکنید، چیست؛ آن را دارند به ما یاد میدهند.

اینجا دار عمل است، آنجا دار نتیجه است. اینجا یک کارهایی را به ما یاد داده‌اند، گفته‌اند این کارها را انجام بدهید که اگر این کارها را اینجا در این دوره‌ی کوتاه - کوتاه است دیگر، این دنیا یک لحظه‌ی از عمر ابدی است، یک لحظه است؛ نود سال، صد سال اگر کسی عمر کند، یک لحظه است در مقابل آن عمر ابدی عالم آخرت- انجام دادیم، اگر در این یک لحظه انسان این چیزها را رعایت بکند، در آن موقف دشوار به دردش می‌خورد. حالا اینها چیست؟ چند مورد را ذکر کرده‌اند. خود حضرت فرمودند: اقریکم غدا منی، [نزدیک‌ترین شما به من]، فی الموقف - یعنی در قیامت- اول این [فرد] است؛ اصدقکم للحدیث؛ آن کسی که راستگوتر است، در حرف زدن راستگو است، آنچه می‌گوید از روی صدق بیان میکند؛ دروغ و تهمت و شایعه و حرف ضعیف و قول بغیر علم و مانند اینها در آن نیست. «صدق» یعنی انطباق با واقع، آنچه را واقع است - که او میدانند واقع است- بیان میکند؛ اصدقکم للحدیث.

و اداکم للامانه

آن کسی که بیشتر از همه ادا امانت میکند؛ که مکرر عرض کرده‌ایم که امانت فقط این نیست که حالا یک پولی شما دست بنده بسپرد، بنده آن را به شما برگرداند؛ این یکی از انواع امانت است. همه‌ی آن چیزهایی که مردم به ما می‌سپرنند، امانتهای مردم است؛ مقام را به ما می‌سپرنند، امنیت را به ما می‌سپرنند، دینشان را به ما می‌سپرنند، حفظ نوامیسشان را به ما می‌سپرنند؛ همه‌ی این چیزها امانتهای مردم دست ما است. ما حکومتیم دیگر؛ هر کسی هر جا هست؛ یکی مثل بنده در یک جایگاهی قرار دارد، یکی در جایگاه دیگری قرار دارد، یکی قاضی است، یکی مسئول تعلیم و تربیت است، یکی امام جماعت است؛ همه‌ی اینها امانتهایی است که دست ما سپرده است؛ ادا امانت. هر کدام بهتر ادا امانت کردید، آنجا جایتان به حضرت نزدیک‌تر است و امنیتتان بیشتر است.

و اوفاکم بالعهد

[در مورد] پیمانهای فردی و اجتماعی، وفای به این عهدها بکنید؛ که البته مهم‌ترین پیمانهای اجتماعی است؛ این قراردادهای اجتماعی، این حقوق شهروندی [است]. خوب این چیزهایی که حالا امروز فرنگی‌ها یاد گرفته‌اند می‌گویند «حقوق شهروندی»، ماها هم از اینها میخواهیم یاد بگیریم! حرفهایی که در روایات ما و در قرآن ما هست، حالا ما داریم از غربی‌ها اینها را [یاد می‌گیریم]! خوب اینجا دارد می‌گوید «اوفاکم بالعهد»؛ «عهد» یعنی قرارداد، آن چیزی که بین شما و بین دیگران قرارداد بسته [شده]. شما وقتی در یک محیط با هم زندگی میکنید، یک قراردادی با هم بسته‌اید دیگر؛ مثل این است که در یک آپارتمانی ده خانواده زندگی میکنند؛ اینها ولو هیچ کاغذی هم امضا نکرده‌اند، [اما] یک معاهداتی در مقابل هم دارند؛ این چیز قهری است دیگر؛ [مثلا] تو سر و صدا نکن که در خانه‌ی او بچه‌اش از خواب بیدار نشود، او هم سر و صدا نکند که بچه‌ی تو از خواب بیدار نشود؛ این قرارداد روشنی است دیگر؛ حقوق شهروندی یعنی اینها.

و احسنکم خلقا

یکی از چیزها هم این است که خوش‌اخلاق باشید؛ بد اخلاق و عبوس [بودن] و [اینکه] در خانه یک جور، در محل کار یک جور، با مردم یک جور، با تکبر، با اوقات تلخی [رفتار کردن]، خیلی بد است. آن کسانی که «احسنهم خلقا» هستند، آنجا نزدیک‌ترند.

و اقریکم من الناس

مردمی بودن. ببینید، سبک زندگی اسلامی اینها است. باز همین «مردمی بودن» هم از حرفهایی است که حالا متجددین و مانند اینها فکر میکنند که از دیگران یاد گرفته‌اند؛ نه، اینها در روایات ما است. مردمی باشید، با مردم باشید. معنای با مردم بودن این نیست که فرض کنید انسان به چهار نفر از طبقه‌ی ممتاز بگوید اینها مردمند؛ نه، یعنی توده‌ی مردم، طبقات پایین مردم، عامه‌ی مردم؛ با اینها باشید، بین اینها باشید، مثل آنها زندگی کنید، در حد آنها زندگی کنید، پیش آنها تواضع کنید؛ اینها معنای مردمی بودن است.

انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی به ریاست قوه قضائیه / ۱۳۹۷/۱۲/۱۶

سند تحول قضائی پیشنهادی جنابعالی را ملاحظه کردم. بر اساس مشورتها و نظرات کارشناسی، آنرا مفید و کارساز میدانم. با این حال چند نکته را موکدا به جنابعالی سفارش میکنم.

نخست آنکه برای همه‌ی فصول این سند و بندهای ذیل آنها، زمان تعیین کنید و خود و همکارانتان را بر پابندی به سرآمد برنامه الزام نمائید. در زمانبندیها نه عجله و نه ممانعه نباید راه داده شود.

دوم آنکه در همه‌ی فصول تحول، مردمی بودن و انقلابی بودن و ضد فساد بودن را رعایت کنید.

